

ما باز هم میگوئیم: آمریکا ایران را میخواد، نه «گروگانها» را

در صفحه ۴

سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه استوار یافته اند، ولی قانون شکنی همچنان ادامه دارد، چرا؟

روزنامه انقلاب اسلامی، در سه روز پنجشنبه ۳۰ مرداد ماه دولتی در کار نیست، اما امروز دیگر ۵۹ خود از جمله می نویسد:

... حکم نخست وزیر آقای رجایی پدیده رای تمایلی که هفته گذشته مجلس شورای اسلامی بوی داد از طرف رئیس جمهور صادر شد، پس رسمیت یافتن مقام نخست وزیر تمام نهادی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور اجرای این قانون پیش بینی شده است کامل و هیچ پهنه ای دیگر به علت عدم ارکانهای رسمی وجود ندارد. لذا

از این پس هر سه قوه قضائیه، مجریه و مقننه مسئولیت کامل و تدبیر رعایت و اجرای قانون اساسی را به عهده دارند و این در حالی است که بی قانونی و عدم امنیت و احترام بطور روزافزونی جامعه را در خطر قرار داده است. و آن چیزی که رئیس جمهور نیز به آن اولویت داده خاتمه دادن به همین بی نظمیها و نظیر کتاب روشنیهای مقابل دانشگاه تاجبال یکروز ادعا میشد مجلس استقرار نیافته، یک روز میگفتند بیشتری یافته است...

بستند در خانه ما را چه باطل حق است که در راه حقیقت بگشاید

یشار یکماه از اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه مردم در تهران (۳۰ تیر) میگذرد. دادستان کل کشور، آیت الله موسوی اردبیلی، چند روز بعد از آن (۵ مرداد) اطلاعیه ای صادر کردند و «اشغال دفتر گروهها و بعضی از روزنامهها» را توسط «اشخاص متفرقه»، «خلاف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم» دانستند و اعلام کردند که:

«لازم است کلیه افراد مسلمان و متعهد، که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمالی میزنند، بشدت از آن احتراز نمایند و اگر افرادی به این کار ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت».

اینان ده روز بعد، در سخنرانی خود، در حوزه علمیه قائم در چیدر شیران، با تذکر اینکه «کشور احتیاج به نظم و آرامش دارد»، گفتند: «گاهی افراد در پای سخنرانی تند می نشینند و عده ای شعارهای تندی میدهند و می روند گوشه ای را تسخیر میکنند... در این حال ضد انقلاب سوء استفاده میکند» (کیهان ۱۵ مرداد).

چند روز بعد نیز در مصاحبه تلویزیونی خود در مورد هجوم عده ای بمرکز احزاب و سازمانها تصریح کردند که:

«حمله به گروهها در خط امام نیست».

در اطلاعیه رسمی دادستان کل جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵ مرداد از جمله گفته شده است:

«امادگی که تاکنون به طرق یادشده تصرف شده است، باید در اسرع وقت تخلیه شده و در اختیار دادستان کل کشور و یاددستانی انقلاب اسلامی و یا کمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد».

لیکن این دستور صریح دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، نه اینکه بموقع (در اسرع وقت) و بدرستی اجرا نگردد، بلکه پس از آن تاریخ تاکنون نیز، علی رغم اطلاعیه رسمی دادستان کل، باز هم از طرف این «اشخاص متفرقه» به دفتر گروهها و روزنامهها، از جمله به دفتر حزب توده ایران در شهرهای مختلف کشور، پی در پی هجوم برده میشود و آنها را غارت و اشغال میکنند. کار بجائی رسیده است که حتی «دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر»، که خود یک مقام رسمی جمهوری اسلامی ایران است و باید قاعدتا برای اطلاعیه دادستان کل کشور احترام و اعتباری قائل شود، به پشتیبانی از این نوع «اشخاص متفرقه» برخاسته و طی «اطلاعیه ای فعالیت چند گروه و سازمان» از جمله حزب توده ایران، را در این دوشهر «ممنوع» اعلام کرده است. (جمهوری اسلامی، ۱ شهریور ۵۹).

حزب توده ایران بشهادت اسناد فراوان غیر قابل انکار، هنوز قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بر رهبری امام خمینی و سرنگونی رژیم طاغوت، از این انقلاب با تمام نیرو و امکانات خود، در گفتار و کردار خویش، با کمال صداقت و جدیت پشتیبانی کرده است. پشتیبانی حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند مردم ایران علیه استعمار و استثمار، علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، بقیه در صفحه ۴

ضد انقلاب از پاسداران و کمیته ها دل خوشی که ندارد سبب است، این نهادها و انقلابی را خاری در چشم خود و سدی در راه خویش میسرند و آرزوی «انحلال» آنها را دارد. ضد انقلاب این خواستش خود را به اشکال مختلف، از جمله بسوسیه رادیوهای ضد انقلاب، بیان می کند.

پاسداران و کمیته ها، در گرامر انقلاب، از بطن جامعه پر جوش و خروش ما، در لحظاتی سرخوش ساز، زاینده شدند و با تمام فراز و نشیب و نقاط قوت و ضعف و فداکاریها و یا استیفات، در مجموع، یکی از حساس ترین و مهم ترین نقشها را در دفاع از انقلاب و سرکوب عناصری که کمر بنابودی آن بسته بودند، ایفا کردند. تاریخ معاصر ما هرگز این نقش را فراموش نمیکند. ولی این نقش تنها متعلق به تاریخ گذشته

اگر کسانی کمترین شکی هم داشتند، برایشان همین موضع گیری ضد انقلاب اینک باید کاملاً کافی باشد که، یک وظیفه مهم دولت و همه ارگانهای مسئول تقویت و تحکیم بقیه در صفحه ۴

مردم و پاسداران

ضد انقلاب: پاسداران و کمیته ها را منحل کنید همه انقلابی ها: با تمام قوا و با همه وسائل پاسداران و کمیته ها را تقویت کنید

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۱۵ یکشنبه ۲ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

ملاقات نمایندگان قاسملو و کومله، با اشرف، اویسی و پالیزبان

طبق اطلاعی که تازه بدست آورده ایم، در تاریخ ۲۵-۲۶ اردیبهشت ماه ۵۹، در نزدیکی دهی بنام حلبچه در عراق، در کنار یک منطقه نظامی و در یک ساختمان از بتن پیش ساخته، شیخ عثمان نقشبندی، نماینده قاسملو، صدیق کمانگیر نماینده کومله، با اویسی، پالیزبان و اشرف، ملاقات می کنند. در این ملاقات مسأله هماهنگی کلیه نیروها برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، مورد بحث قرار می گیرد و اویسی به شیخ عثمان اعلام می کند که برای هر مزدور ۶۰۰۰ تومان می پردازد.

آمریکا میخواد اعصاب ما را امتحان کند

بجای آنکه «یادداشت» را بحکومت بدهند، به «پارلمان» کشور دادند! بدنبال این کشورها، زاین و کشورهای عضو بازار مشترک اقدام همکاران خود را تکرار کردند. شاید فردا گروهی از کشورهای «مسلمان» بریاست پاکستان یا عربستان سعودی نیز برای آزادی گروگانها بدرمیانی بکنند!

لحن این سه نامه، که تاکنون فرستاده شده، سرد، غیردستانه و گاهی تهدیدآمیز است. ما را از «جنگ جهانی» میترسانند، به «حفظ صلح» دعوت میکنند، عواقب وخیم «گروگانگیری» و تناقض آنرا با «موازین حقوق بین المللی» بر شما می کشند.

یورش سفیران کشورهای سرمایه داری مقیم تهران به مجلس شورای اسلامی بیشتر شبیه بیک جنگ روانی است. آنها میخوانند ثابت کنند که دیگر برای ایران دوستی باقی نمانده است و چاره ای جز تسلیم ندارند.

خود سفیران کشورهای سرمایه داری بهتر از هر کس دیگر میدانند که وخامت روابط ایران و آمریکا هزاران علت دارد، که «گروگانگیری» کوچکترین آنها هست. اگر تمام این «گروگانها» در دادگاه انقلاب بسرگرم محکوم بشوند، تازه یک هزارم کسانی نیستند که بدستور مستشاران امریکائی بدست ارتش مزدور شاهنشاهی در دوران انقلاب شپید شدند.

آنچه «صلح جهانی» را بخاطر افکنده است، اشتباهی سیری ناپذیر امپریالیسم امریکاست، که هزاران میل دورتر از سواحل امریکا را «منطقه امنیت» و «حیطه منافع ملی» خویش اعلام کرده و بزرگترین قدرت دریایی خود را در برابر آبهای مین ما متمرکز ساخته است. آقایان سفر از اقدامات دولت سلطه گر آمریکا در ایجاد جنگ سرد و جوهرگیری کلمه ای بزبان نمی آورند، اما چون تمام سیاستمداران دوروی سرمایه داری، فریبکارانه از لزوم «حفظ صلح» و «رعایت بین المللی» دم میزنند.

ما که به دیپلماتهای امریکائی حتی پس از انقلاب کاری نداشتیم و وجود منحوسان را در خاک میهنمان تحمل میکردیم. جوانان پرشور انقلابی ماتپها هنگامی سفارت امریکا را اشغال کردند، که پی بردند جاسوسان «سیاه» در آنجا مشغول طرح توطئه براندازی جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۴

چریکهای اکثریت و کردستان

چریکهای اکثریت که میکوشند قاسملوهارا به انقلاب جلب کنند و در واقع وانمود می کنند که آنها می توانند به انقلاب جلب شوند، ناخواسته به ضد انقلاب یاری می رسانند و عملاً در جبهه قاسملوها قرار می گیرند.

در صفحات ۵ و ۶

شیطان بزرگ - آمریکا مین ما را زیر فشاری سهگن قرار داده است. در پی محاصره نظامی، محاصره اقتصادی و بدنبال محاصره اقتصادی ما را در محاصره سیاسی گرفته و در این راه تمام توان خود و یارانش را بسیج کرده است.

آقای بنی صدر رئیس جمهور از یک توطئه وسیع نظامی، که امریکائیا علیه کشور ما تهیه دیده اند و تصمیم دارند بوسیله مزدوران داخلیشان بخشهایی از مین ما را اشغال کنند و ایران را بسحنه خونین جنگ برادر کنی تبدیل نمایند، پرده برداشت.

امپریالیستیهای امریکائی از محاصره اقتصادی نیز برای توسعه پایگاه اجتماعی - سیاسی همین مزدوران استفاده میکنند و میکوشند از عواقب اقتصادی - اجتماعی این محاصره، بسود طرفداران ضد انقلاب بپورم برداری نمایند.

اکنون آنها لحظه را برای اعمال فشار سیاسی مساعد دیده اند. فشار طبق پرنامه و بیگانه وارد میگردد.

فشار سیاسی از قطع رابطه آمریکا با ما آغاز شد و امروز منحنی صعودی را طی میکند. بدنبال آمریکا، کانادا سفارتخانه خود را عملاً تعطیل کرد. اکنون انگلستان تعطیل میکند. میکوشند سفارت فرانسه هم در حال تعطیل است. سایر سفارتخانه های کشورهای سرمایه داری نیز قادر سیاسی خود را به حداقل تنزل داده اند. این عمل نوعی فشار سیاسی بر ایران است.

فشار سیاسی امریکا و اعوانش بر ما در جهت تضعیف انقلاب ایران و منفرد ساختن آن سیر میکند.

تسلیم «یادداشت» از طرف سفیران کشورهای سرمایه داری به ایران، که بدلیل هماهنگی آن نمی تواند چیزی جز یک اقدام طرح یزی شده باشد، نیز در همان جهت سیر میکند.

دنیای سرمایه داری مجلس ایران را زیر بارانی از «نامه» و «یادداشت» گرفته است. ابتدا نمایندگان کنگره آمریکا بنام «مردم» آمریکا به مجلس شورای اسلامی ایران نامه فرستاده بودند. سپس گروهی از کشورهای «کوچک و متوسط» اروپای سرمایه داری، به پهنه نبریک به حجت الاسلام رفعتجانی، به مناسبت انتخابشان بمقام ریاست مجلس، یادداشتی تسلیم ایشان کردند و برای نخستین بار در عرف بین المللی،

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

ما با زهم میگوئیم: امریکا ایران را میخواد، نه «گروگانها» را

روز ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸، که پانصد دانشجوی مسلمان پیروخط امام، سفارت امریکا، لانه جاسوسان و خیانکاران و پایگاه فعالیت‌های خرابکارانه هلمزها و سولویان‌ها را اشغال کردند و جاسوسان امریکائی را گروگان گرفتند، در اعلامیه شماره ۳ خود، در توضیح دلایل اقدام خویش، نوشتند:

- اعتراض به امریکاجیت پناه دادن به شاه جنایتکار،
- اعتراض به امریکا به علت ایجاد فشار تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی ایران،
- اعتراض به امریکا بخاطر توطئه‌ها و دسیسه‌هایش،
- اعتراض به امریکا به دلیل نقض خائنانه براندازش در برابر رهائی خلقها.

اعتراض دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به امریالیسم امریکا، اعتراض امام بود و توده‌های مستضعف، اعتراض همه شخصیت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی ضد امریالیست بود و به همین جهت مورد اقبال امام ره و پیروان و هواداران و پشتیبانان خط امام قرار گرفت.

اما بلافاصله خط دیگری، جدا از این خط، سر بلند کرد، خطی پوزر و لیرال و هواداران و متحدانش، که چهره‌دم کردند و اشغال جاسوسخانه و «گروگان‌گیری» را گامی در راستای تیره ساختن مناسبات ایران با جهان غرب دانستند و مایه «شرمساری» خواندند. اینان احترام به مصونیت «سفارتخانه‌های» خارجی و مصونیت «دیپلمات‌ها» را مطلق میکردند و اقدام دانشجویان را «نقض عرف بین‌المللی» میدانستند. حتی روزی که اسناد جاسوسی از جاسوسخانه بدست آمد و ارتباط مستقیم و غیر مستقیم افرادی درمداخل حساس دولت انقلاب، با سازمان‌های جاسوسی آمریکا فاش شد، باز این گروه دست حمایت خود را از پشت کارگزاران ایرانی امریالیسم امریکا برنداشت و اسناد را فاقد اعتبار خواند و بدینسان دو برخورد و دو خط با مسئله «گروگانها» بوجود آمد:

برخورد اول، که اقدام دانشجویان را ابتکاری جالب در پرواز شور انقلابی مردم به اوج و در مبارزه متحد و یکپارچه علیه امریالیسم امریکا ارزیابی کرده، از آغاز تاکنون بر روی خطی مستقیم، بدون تزلزل و لغو و جابجایی و بایستی راه سپرده، و گفته امام را تکرار کرده است که، تصمیم درباره «گروگانها» از وظایف مجلس شورای اسلامی است.

برخورد دوم، که باورچندانی به خصلت ضد امریالیستی انقلاب و ضرورت مبارزه با امریالیسم در همه عرصه‌ها و همه زوایای حیات کشور ندارد و در پندار حفظ مناسبات ایران با جهان «آزاد» در چارچوب گذشته و یا چارچوبی کمی تنگ‌تر را لازم میدانند، به این اقدام دانشجویان با برآشتکی می‌نگرد و این نگرانی در جانش است که، کار به کجا خواهد کشید؟

این گروه به مسئله «گروگانها» از زاویه ترس از «انزوا» در جهان، که منظورشان جهان سرمایه‌داری، بویژه اروپای سرمایه‌داری است، می‌نگرد، و این تازه بعد از آنست که جهان سرمایه‌داری، بویژه اروپای سرمایه‌داری موضع خود را نسبت به انقلاب و همدلی خویش را با دشمن اصلی و واقعی ما، یعنی امریالیسم امریکا، عراقی و بربرده نشان داده

است: در تحریم اقتصادی کشور ما همراه امریکا شرکت کرده، پول - های ما را در بانکهای خود مسدود نموده، رسانه‌های گروهی خود را در خدمت تحریف و دروغ و پنهان‌نسی به انقلاب و رهبران آن قرار داده، و پیامهای تهدید، وسیله سفیران خویش برای ما فرستاده است.

اقدامات خصمانه جهان سرمایه‌داری در همیاری با امریالیسم - قدر آمریکا و خصومت آن با انقلاب، ذره‌ای تزلزل در مواضع این گروه ایجاد نکرده و آنان «گروگانها» را همچنان علت‌العلل دشواریهای سیاسی و اقتصادی ما میدانند، که بزعم آنان باید در مذاکره و کنار آمدن با امریالیسم امریکا و زاین وارد و اروپای غربی راه‌حلی خود را بیابد.

این گروه در آغاز هم «گروگانها» امریکائی را «نقطه ضعف» ما میدانست و اکنون هم تکرار میکند که این عمل زمینه مداخله مستقیم و غیر مستقیم امریالیسم امریکا را علیه انقلاب ایران فراهم کرده است، در حالیکه برای امریالیسم امریکا و متحدانش گروگانها «مسئله» ای نیست، زیرا در طبیعت امریالیسم جان انسانها فاقد ارزش است.

امریالیسم طی دو جنگ جهانی دهها میلیون انسان را به کام مرگ فرستاد، و در فاصله دو جنگ و پس از آن، با برافروختن آتش جنگهای محلی بدیسی‌ترین حقوق انسانها، یعنی حق زندگی را از میلیونها زن و مرد و کودک سلب کرد و سند مرگ آنان را امضا نمود.

برای امریالیسم امریکا «مسئله» مهم ایران است، امریکایی خواهد «بهبشت از دست رفته» را دوباره بدست آورد. «مسئله» ابتدا این نیست که چون ما جاسوسان امریکا را گروگان گرفته‌ایم، زمینه مداخله مستقیم و غیر مستقیم امریالیسم امریکا فراهم شده. مسئله آنست که چون ما به او «نه» گفته‌ایم و اسباب غارتگری را بر رویش بسته‌ایم، قصد جان انقلاب ما را کرده‌است. مگر ویتنام از امریکا گروگان گرفته بود، که امریکا خاکش را توبره کرد؟ مگر کشورهای نظیر کوبا و آنکولا و یمن دمکراتیک و... گروگانگیری کرده‌اند که امریکا چشم‌پدین آنها را ندارد. مگر شیلی آلوده جاسوسخانه امریکا را اشغال کرده و جاسوسان آنرا اسیر کرده بود، که سازمان جاسوسی آمریکا آن کودتای خونین را در آن کشور سازمان داد؟

امریالیسم، بسر کردگی امریالیسم امریکا، مخالف با استقلال مناسبات و هر ملتی که برای تأمین استقلال خود، بروی امریالیسم دست بلند کند، مغضوب آن خواهد بود و آماج توطئه‌ها و دسیسه‌های آن.

امریالیسم امریکا که در ۱۱۰ کشور جهان، ۲۵۰۰ پایگاه نظامی، ۵۰۰ هزار سرباز و ۱۲ هزار سلاح اتمی دارد، برای آن نیست که جهان را برای آنست که امریکا زیر سرپوش «مسالحت‌امنیت ملی» منافع فارتکرانه خود را حفظ کند و گسترش دهد، برای آنست که به کمک رژیم‌های دست‌نشانده خود پشتاید و جنبشهای ضد امریالیستی و مترقی هر کشور و هر منطقه را، اگر توانست، سرکوب کند.

آنان که با اشغال جاسوسخانه و اسارت جاسوسان امریکائی مخالفانند، این عمل اثر بخش ضد-

بستند در خانه مارا و چه باطل

بقیه از صفحه ۱

و رژیم طاغوت دست‌نشانده آن، زائیده ماهیت اجتماعی و خصلت طبقاتی این حزب است، که دفاع از منافع طبقات زحمتکش و آزادی، استقلال و ترقی کشور را وظیفه اصلی خود قرار داده و در برنامه و اساسنامه حزب منعکس کرده است.

پشتیبانی حزب توده ایران از انقلاب ره‌نمائی بخش ضد امریالیستی و ضد رژیم‌شاهی با خون عده‌ای از بهترین اعضای حزب ثبت تاریخ است.

پشتیبانی صادقانه و فداکارانه حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی در ده‌ها سند رسمی، در اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و فراخوانهای کمیته مرکزی حزب بازتاب یافته‌است. پشتیبانی عملی و نظری حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند ایران برهبری امام خمینی در یک کتاب طرح‌ها و پیشنهادها مثبت و سازنده درباره همه رشته‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جامعه ما تبلور شده‌است.

پشتیبانی جدی عملی و نظری، سازمانی و تبلیغاتی حزب توده ایران از انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی، در متجاوز از ۳۰۰ شماره نامه «مردم» به نحوی انکارناپذیر ثبت تاریخ است.

این پشتیبانی، همچنانکه بر مردم زحمتکش کشور آشکار است، برای مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز مسلم است. حزب توده ایران به پشتیبانی و شرکت فعال در انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی، علیه امریالیسم، بسر کردگی امریالیسم امریکا، و رژیم سرکون شده طاغوت، در راه آزادی، استقلال، ترقی و رفاه همگامی اختیار میکند.

این خود یک نمونه بارز از پشتیبانی جدی حزب ما و همه‌اعضای و هواداران آنکه و با انضباط آن از انقلاب شکوهمند ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران است که تاکنون، در نهایت کوشش و متانت انقلابی، به دام تحریکات مفسدين، بدخواهان و دشمنان انقلاب و یا عناصر ناآگاه و تحریک شده نیفتاده‌اند و از ایجاد تشنج و درگیریهای ممکن جلوگیری کرده‌اند.

حزب توده ایران احترام - در عمل و نه تنها در گفتار - به قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و رعایت این قوانین و نظامات، فعالیت آشکار در چارچوب این قوانین و نظام را وظیفه اصولی و اساسی خویش محسوب میدارد. بگذارد آن «شخص متفرقه» غیر مسئول، و حتی گاهی هم مسئول، که به خیال وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمالی می‌زند، یک مدمم آن احترام واقعی و پشتیبانی عملی را که حزب توده ایران نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران داشته و دارد، از خودشان بمنصه ظهیر و بروز برسانند.

دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله موسوی اردبیلی در آخرین مساعیه تلویزیونی خود متذکر شده‌اند که، تاخیر در استرداد دفاتر گروهها به آنها، گویا مربوط به لزوم بررسی چیزهایی است که در این دفاتر بدست آمده‌است که این امر نیز بدادسرای تهران ارجاع شده‌است.

حزب توده ایران با صراحت و قاطعیت اعلام میدارد که در دیرینه کمیته مرکزی این حزب و دفتر نامه مردم و دفتر حزب در شهرستانها هیچ چیزی که مخالف و مغایر قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران باشد، وجود نداشته است و نمیتواند وجود داشته باشد.

آنچه که مربوط به دفاتر دیگر گروهها میشود، باید متذکر بود که هجوم خودسرانه و اشغال دفاتر به‌زور و در اشغال نگه داشتن از سوی کسانی که خصومت آشکار خود را نسبت به این گروهها پنهان نمیکنند، آنهم برای مدت چند هفته، آنچه را که اکنون در این دفاتر ممکن است پیدا شود، از لحاظ حقوقی و قانونی فاقد هرگونه اسالت میسازد.

در مورد اطلاعیه دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر باید گفت، کاملاً آشکار است که این اطلاعیه اولاً صریحاً مخالف اطلاعیه قبلی دادستان کل کشور (مورخه ۵ مرداد) است. ثانیاً - فاقد هرگونه منطقی قضائی و اساس حقوقی است.

نمیتوان فعالیت سازمانی را که طبق اصل صریح قانون اساسی صورت گرفته و میگیرد و خلاف قانون بودن این فعالیت بوسیله هیچ محکمه یا ارگان رسمی دیگری به ثبوت نرسیده است، با یک اطلاعیه «منوع» اعلام کرد و «تعمین تکلیف» آنرا به «مجلس شورای اسلامی» در آتیه موکول ساخت، و در حقیقت مجلس شورای اسلامی را نیز به نوعی در مقابل عمل انجام شده قرار داد.

ما به این عمل دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر، که در واقع پشتیبانی از عناصر غیر مسئول، ناقض اطلاعیه رسمی دادستان کل جمهوری اسلامی ایران، یعنی «خلاف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم» است. اعتراض می‌کنیم و از دادستان کل کشور می‌طلبیم که هر چه زودتر امکان فعالیت قانونی دفاتر حزب توده ایران و نامه «مردم»، را در نقاطی که معرض هجوم و اشغال عناصر غیر مسئول قرار گرفته‌اند، فراهم سازند.

برای امریالیسم امریکا خوش‌تر آن بود که جاسوسخانه‌اش همچنان بنام «سفارتخانه» سرگرم فعالیت باشد جاسوسهایش با نام «دیپلوسات» مشغول خیرگیری و خیرچینی و طرح توطئه و برقراری ارتباط و تماس با کارگزاران ایرانی.

دستی که جاسوسخانه را بست و جاسوسان را «گروگان» گرفت، دست مردم ایران بود. و اکنون فوری‌ترین وظیفه محاکمه «گروگانهاست»، تا از اینراه امریالیسم جنایتکار امریکا در افکار عمومی جهان بیش از پیش افشاشود.

امریکائی مردم ایران را گاه حتی کار خود امریالیسم امریکا وانمود میکنند و معتقدند که امریکایی خواهد مسئله گروگانهای جاسوس لاینحل بماند و بدینجهت هر باز که بنا بوده این مسئله مطرح شود، بطرفی کوشش کرده است که از طرح آن جلوگیری بعمل آورد؛ اینان، بی آنکه خود بخوانند امریالیسم امریکا را قدر قدرتی میدانند که انگشتش در همه جریانهای سیاسی هست و بدینسان نیروی خلقها را بیخ می‌کیند.

مردم و پاسداران

بقیه از صفحه ۱

این نهادهای انقلابی است. تقویت و تحکیم، هم بمعنای دادن تجهیزات و وسائل کار و عمل مناسب و لازم است، هم بمعنای دادن اختیارات و حیطه عمل ضرور و مناسب است و هم بمعنای تصفیه واقعی و عملی آنها از عناصر فایک و فاسدخ.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نهاد سپاه پاسداران برسمیت شناخته شده و قوت قانونی دارد. وظیفه دولت و ارگانهای اجرائی است که قوانین و آئین‌نامه‌های ضرور برای عمل این نهاد و حیطه اختیارات آن و همکاری آن با سایر ارگانهای انتظامی را تدوین کنند و تصویب مجلس برسانند و اجرا نمایند و همچنین وسائل کار را، که از تأمین زندگی اعضای سپاه گرفته، تأمین خودروها و تسلیحات و بی‌سیم‌سایر ابزار، طیف بسیار وسیعی است. همه را فراهم آورند و پاسداران را بمعنای جدی تجهیز کنند.

سپاه پاسداران در اکثر نقاط ایران، بویژه در دهات، که اعضای آنها از افراد شناخته شده مجلس هستند، از مردم برخاسته‌اند و زیر نظر خود مردم انجام وظیفه کرده‌اند، نقش بسیار مثبتی ایفا کرده است. پاسداران مورد محبت و علاقه مردمند، بویژه که در روستاها در اکثر موارد در رویارویی بین‌اربابان و دهقانان زحمتکش، همانطور که وظیفه‌شان حکم میکند، جانب مستضعفان را گرفتند و نکنداشتند مالکان بزرگ و چاق‌قداران آنها زورگویی کنند و مانند زمان طاغوت، دهقانان تبه‌دست را سرکوب و غارت کنند. هر قدر این موضع‌گیری مردمی قاطعتر بود، پاسداران از علاقه و اعتبار بیشتری برخوردار بوده‌اند و مردم برادروار آنها را پشت و پناه خود دانسته‌اند. مردم با تمام قوا خواستار تقویت سپاه و رفع مشکلات آنها هستند.

در این شرایط، هم این اظهارات از روی علاقه و ایمان به پاسداران، این فداکاران راه انقلاب، بیان شده‌است، و هدف آن تحکیم و تقویت این نهاد انقلابی است. تصفیه و پاکسازی جدی، که توصیه مکرر امام و خواست دست‌اندرکاران، مسئولان متعهد انقلابی و همه مردم انقلابی است، عنصر مهم این تحکیم و تقویت بشمار میرود. پاکسازی در عین حال هرگونه اسلحه تبلیغاتی و تخریبی را از دست ضد انقلاب میگیرد و به آنها هیچگونه بهانه‌ای برای دگرگون جلوه دادن سیمای پاسداران و کمیته‌ها نمیدهد. خصلت اصلی این نهاد اولاً

خصلت مقاومت و دفاع از انقلاب و سرکوب ضدانقلاب است، و ثانیاً خصلت مردمی بودن و متکی به توده‌ها بودن آن. اگر کمیته‌ها و پاسداران چنان عمل کنند که مخالفین آنها فقط ضد انقلابی‌ها باشند نه فقط جای هیچ حرفی نیست، بلکه مایه نهایت خرسندی است، زیرا نشانه آنست که تیر بهدف اسابت کرده و وظیفه بدرستی انجام شده. اما اگر نارضایان از میان توده مردم باشند، آنوقت معلوم است که یکجای کار می‌نکند و نیروها یا عناصر انقلابی، بالقوه انقلابی و یا بالفعل انقلابی، به خطا، هدف قرار گرفته‌اند.

آقای شریعتی بدرستی گفته‌است: «افرادی که ضد انقلابند، حرفشان واهی است، هیچ وقت هم جای تقاضی بین آنها و کمیته‌ها نخواهد بود». این متنی کاملاً درستی است. هر کمیته‌ای که «تقاضی» در این زمینه حاصل شود، که نفی انقلاب است و انکار خصلت اصلی این نهاد، هر قدر داد رادیوهای ضد انقلاب و فریاد همه ضد انقلابیون بیشتر بلند شود، معلوم میشود که پاسداران بیشتر کار کرده‌اند.

آقای سید عبدالعزیز المجدد ایرانی، مسئول منطقه ۱۲، بسیار دقیق و درست، بی‌امان مشکلات موجود گفته‌است: «تا روزیکه مردم با کمیته‌ها همکاری نکنند، این مشکلات قابل ذکر نیستند».

درواقع هر ریشه و اساس مسئله همین است. همکاری مردم با کمیته‌ها و پاسداران و عدم تقاضا بین کمیته‌ها و پاسداران با ضد انقلاب. این است آن حلقه اساسی که سرنوشت این نهاد بسیار حیاتی و مهم را تعیین خواهد کرد. پاکسازی انقلابی، جهت رسیدن باین هدف باید باشد. در این صورت پاکسازی بمعنای تحکیم و تقویت آن خواهد بود. باین عامل رفع نارضائیه‌های تسلیحاتی و تعداد کاتی و همچنین میثقی راهم اگر بیافزائیم، محکمترین توده‌ها را به دستان ضد انقلابی‌ها و رادیوهای ضد انقلابی، که خواستار «انحلال پاسداران و کمیته‌ها» هستند، زده‌ایم.

این سخن ناشی از علاقه به پیبود کارست، زیرا همچنانکه خود آقای دروازه‌های بیان کرده است:

«کمیته‌ها بالاترین خدمت را بعد از انقلاب به مردم کرده‌اند، اگر چه «دولت» وقت کمیته‌ها را بیاد انتقاد گرفت».

آقای مهدی باقری کنی معمار کمیته مرکزی، نیز گفت: «پاسداران خطا کار بزرگترین کمک راه ضد انقلاب میکنند، چرا که برای میتوانند نارضائیه در جامعه برآشند».

آقای سیدصدرالدین شریعتی، مسئول بخش بررسی وضع کمیته‌های تهران، اظهار داشت:

«افراد مختلف از طبقات گوناگون وارد کمیته‌ها شده و با بدست آوردن اسلحه انجام وظیفه می‌کردند و در بین افراد کمیته عناصر فاسدخ هم رخنه کرده و همین‌ها باعث مشکلاتی در کمیته‌ها شدند».

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

سایه روشن فعالیت وزارت نفت در اولین سال پیروزی انقلاب

وزارت نفت گزارش عملکرد فعالیت خود و شرکت‌های تابعه را در سال ۱۳۵۸ در زمینه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و اموردیگر انتشار داده است. این گزارش، همانطور که حاکی از امکانات عظیمی است که انقلاب برای تأمین استقلال و پیشرفت صنایع عظیم نفت ایران بوجود آورده، همانطور هم حکایت از آن دارد که، متأسفانه، چنانکه باید، از این امکانات استفاده لازم بعمل نیامده است. قبل از هر چیز به تغییرات و پیشرفت‌هایی بپردازیم که در مدت کوتاه فقط یکسال پس از پیروزی انقلاب انجام گرفته است. این امر بویژه از آن جهت اهمیت دارد که ضدانقلاب می‌کوشد بر روی پیروزیهای انقلاب خط بطلان بکشد و مردم را نسبت به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران برهبری امام خمینی بدبین و مایوس سازد. امپریالیسم و ضدانقلاب دست پرورده آن می‌خواهند با بزرگ کردن مشکلات، که قسمت مهم آن ساخته و پرداخته خود آنهاست، هدف نهان امپریالیسم، بویژه کارتل بین‌المللی نفت را در تسلط مجدد بر صنایع نفت و گاز ایران برآورده سازند.

یکی از ادعاهای همیشگی دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان این بوده است که، کشور-های صاحب صنایع نفت، منجمله کشور ایران، قادر به اداره صنایع عظیمی مانند صنایع نفت و گاز نیستند. تجربه اولین سال پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بطلان کامل این ادعا را ثابت می‌کند. بویژه میتوان گفت که موفقیت‌هایی که ایران پس از پیروزی انقلاب، نتایج حاصل از آن است، در اداره صنایع نفت، گاز و پتروشیمی بدست آورده، از اهمیت جهانی برخوردار است.

گزارش عملکرد وزارت نفت حاکمیت که قبل از پیروزی انقلاب مردم ایران، امروزی ۹۵ درصد نفت خام ایران در دست شرکت خاص خدمات نفت وابسته به کنسرسیوم متمرکز بوده و امور شرکت‌های نفتی وابسته مانند سرپ، لایکو، سوفیران، ایسکو و ایپاک را نیز طرف‌های خارجی قرارداد در دست داشته‌اند. همچنین در بخش‌های دیگر فعالیت شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های وابسته و پیمانکاریها، متجاوز از ۱۲۶۰ نفر کارمند خارجی عملاً امور صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران را در انحصار خود داشته‌اند. از این گذشته، علیرغم ادعاهای سران خائن رژیم گذشته، انحصارات امپریالیستی نفتی و عاملین آنها در صنعت نفت بر کلیه کارهای عمده شرکت نفت، چه در استخراج و تصفیه، چه در صدور و فروش نفت، چه در پیمانکاریها و حتی تهیه مایحتاج صنعت نفت ایران، هریک بطرق مرئی و نامرئی، نظارت داشتند و با تمام قوا در وابستگی کامل آن بخود کوشا بودند.

طبیعی است که با چنان وضعی، دول امپریالیستی و بویژه انحصارات نفتی اطمینان داشتند که صنعت نفت ایران همچنان در تسلط غارتگرانه آنان باقی خواهد ماند، و در صورت پیش‌آمد حوادثی نظیر انقلاب، با اخلاک‌گراییا و عزیمت کارشناسان خارجی و اقدامات دیگر، چرخ صنعت عظیم نفت ایران از گردش خواهد ایستاد و بدینوسیله ضربه عظیم و مهلکی بر انقلاب ایران وارد خواهد آمد.

نتایج حاصل از فعالیت صنعت نفت ایران در اولین سال پس از پیروزی انقلاب نشان می‌دهد که، تیز آرزوی دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان کاملاً به سنگ خورده است. صنعت نفت ایران نه فقط روند فعالیت عادی خود را با موفقیت کامل ادامه داده، بلکه به پیروزیهای کاملاً چشمگیر و درخشانی نیز نائل آمده است.

مثلاً همانطور که در گزارش وزارت نفت اشاره می‌شود، طی اولین سال پس از پیروزی انقلاب، با اینکه به خدمت کارکنان خارجی خاتمه داده شد و با اینکه قراردادهای کنسرسیوم لغو گردید و علیرغم مشکلاتی که دول امپریالیستی در برابر صنایع نفت ایران بوجود آوردند، معدلک استخراج نفت خام ایران در حد برنامه ریزی شده، یعنی با متوسط استخراج روزانه ۳/۴۵ میلیون بشکه ادامه یافته است. در زمینه افزایش تصفیه نفت در داخل، پیروزی ایران در اداره صنعت نفت خود چشمگیرتر بوده، بطوریکه خوراک روزانه پالایشگاه‌های کشور در روز ۹۷ هزار بشکه بیشتر از رقم مربوطه در سال ۱۳۵۶ بوده است. در گزارش وزارت نفت بدرستی خاطر نشان میشود که عملکرد پالایشگاه‌های کشور از لحاظ تصفیه نفت خام، در سال ۱۳۵۸، اولین سال پیروزی انقلاب بالاترین رقم در تاریخ بالایش نفت در کشور بوده است.

در عملیات بخش و توزیع فرآورده‌های نفتی

در داخل کشور و شروع کارهای ساختمانی طرحها و پروژه‌های صنعتی صنعت نفت نیز، علیرغم دشواریهای بسیاری که دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان برای کشور ما فراهم آورده و می‌آوردند، موفقیت بزرگی داشته‌ایم. که دستیابی به آنها، در سالهای تسلط کنسرسیوم و رژیم دست‌نشانده آن، اصلاً ممکن و قابل تصور نبود. مثلاً در استفاده از گاز در داخل کشور، که یکی از آرزوهای دیرینه مردم ایرانست، کارهای انجام شده با اینکه در حد استفاده از کلیه امکانات نبوده، معدلک فوق‌العاده چشمگیر است. در گزارش وزارت نفت بدرستی خاطر نشان می‌گردد که پیشرفت گازرسانی، در سال ۱۳۵۸، در بعضی از استانها به اندازه دهسال قبل از انقلاب بوده است. تعداد کل انشعاب تجاری و خانگی، قبل از انقلاب ۴۱/۷۵۸ بوده و بعد از انقلاب، تا آخر سال ۱۳۵۸، به ۵۷/۸۷۲ انشعاب رسیده است.

به اقدامات و پیروزیهای مهم دیگری در زمینه استخلاص صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران از امپریالیسم و انحصارات غارتگر، طی تنها یکسال، می‌توان اشار کرد، که همه آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مثلاً اقدام به فسخ قراردادهای عملیات حفاری و تشکیل شرکت ملی حفاری، تشکیل شرکت جدیدالتاسیس نفت فلات قاره جمهوری اسلامی و ادغام شرکت‌های نفتی وابسته در آن، اجرای کارهای ساختمانی در پالایشگاه اصفهان و خطوط لوله نفت و گازرسانی در نقاط مختلف کشور، تکمیل کارخانه‌های نیک‌زدائی از نفت خام، تکمیل طرح گازرسانی از جزیره قشم به بندرعباس، ادامه کارهای ساختمانی طرح بزرگ گازرسانی از منابع گازی سرخس به نیروگاه نکاه و نظایر آنهاست. همه اقدامات با اهمیتی هستند که در اولین سال پس از پیروزی انقلاب انجام گرفته‌اند.

وقتی توجه داشته باشیم که تمام این پیروزیها در شرایطی تحصیل شده‌اند که کلیه کارکنان خارجی از صنعت نفت ایران رانده شده و به مدیریت انحصارات غارتگر امپریالیستی بر صنایع نفت ایران خاتمه داده شده است. در انحصارات به اهمیت کارهای عظیمی که مستقلاً بدست کارگران و کارمندان و متخصصین ایرانی صنایع نفت صورت گرفته، بیشتر بی‌بریم.

کارگران، کارمندان و متخصصین ایرانی در صنایع نفت، با اعتصابات عظیم و کمرشکن خود بزرگترین و کارترین ضربه را به تسلط امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و انحصارات نفتی و رژیم دست‌نشانده آنها وارد ساختند. کارگران و کارمندان ایرانی صنایع نفت نقش عمده را در پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایفا کردند. تجربه اولین سال پس از پیروزی انقلاب نشان داد که همان کارگران و کارمندان و متخصصین صنایع نفت ایران، با برآز شایستگی در اداره صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، نقش بسیار مهمی در تثبیت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران ایفا می‌کنند و به امپریالیسم و انحصارات نفتی و سرمایه‌داران غارتگر بی‌فهمانند که، آنها خود بخوبی به اداره صنایع نفت، نقش قاطع پیچیده‌ترین صنایع است، قادرند. نقش قاطع کارگران و کارمندان و متخصصین ایرانی صنعت نفت، در پیروزیهایی که در اداره صنعت نفت ایران پس از انقلاب بدست آمده، دارای اهمیت جهانی دیگری است و نشان می‌دهد که ملل کشورهای نفت خیز قادرند خود اداره صنایع نفت خود را بدست گیرند و به تسلط امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی برای همیشه پایان دهند.

آنچه بر سر مردم موفقیت‌های مردم ایران و در پیشاپیش آنها کارگران و کارمندان و متخصصین صنایع نفت، در اداره این صنعت عظیم است، که دارای اهمیت جهانی است و بحق افتخار آفرین است.

اما اگر به یاد آوری همین موفقیت‌ها اکتفا کنیم و نقاط ضعف جدی در فعالیت صنعت نفت ایران، در اولین سال پس از پیروزی انقلاب، را نادیده بگذاریم، قطعاً به انقلاب خدمت نکرده‌ایم. به همین جهت بنظر ما ضرور است که همانطور که موفقیت‌ها را بر سر مردم، به نقاط ضعف جدی که در مدیریت صنعت نفت و گاز و پتروشیمی ایران وجود داشته و این امر باعث زیانهای جدی برای منافع کشور و موفقیت صنعت نفت ما شده، ولو به اختصار اشاره کنیم. قبل از همه باید دولت موقت و سیاست نفتی آن را مورد انتقاد جدی قرار دهیم، که در اولین ماههای پس از پیروزی انقلاب، نه تنها به اقدامات عاجل و قاطع در طرف تسلط امپریالیسم و انحصارات نفتی از صنایع نفت ایران دست‌نزد، بلکه با کمزوری حسن نیتها در راس شرکت ملی نفت ایران، عملاً روابط غارتگرانه قدیم را بحال خود نگاه داشت.

ملا ادامه، فروش نفت به انحصارات غارتگر امریکایی و ذخیره بول نفت در بانکهای امریکایی سبب شد که میلیاردها دلار بول ایران بوسیله امپریالیسم غارتگر آمریکا بلوکه شود و از دسترس مردم ایران خارج گردد. یا اینکه ایفا، عناصر طاغوتی در مراکز حساس صنعت نفت باعث گردید که قسمت مهمی از اسناد گرانبهای صنعت نفت ایران از بین برود، مقادیر عظیمی از وسائل گرانقیمت صنعت نفت بخارج انتقال داده شود و زیانهای بسیار دیگری به کشور ما وارد آید.

همینطور دولت موقت نه تنها از اعلام لغو قراردادهای نفتی امتناع ورزید، بلکه اصولاً بررسی غارت کنسرسیوم در ۲۵ سال تسلط رژیم شاه سابق و طرح خواستههای قانونی ایران در برابر انحصارات غارتگر نفتی را بکل بدست فراموشی سپرد.

مسائل پاکسازی در صنعت نفت، باتوجه به تأمین حقوق کارگران و کارمندان و رفع تبعیضات گوناگون و نظایر این نوع مسائلی که با زندگی و کارصدها هزار کارکنان صنایع نفت و خانواده‌های آنان ارتباط مستقیم داشت، اصولاً مورد توجه دولت موقت قرار نگرفت.

طبیعی بود که خلق بی‌پایسته انقلابی نمی‌توانست در مورد روش دولت موقت در مسئله مهمی مانند صنعت نفت، ساکت و بی‌اعتنا باقی بماند. عدم رضایت مردم و کارکنان صنایع نفت بدرستی یکی از علل مهم سقوط دولت موقت و افرادی نظیر نیه‌ها از راس شرکت ملی نفت ایران بود، که چنانکه حوادث بعدی نیز نشان داد، از ضرورت‌های واقعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران در مرحله تکامل آن بود.

مردم ایران، بویژه کارگران و کارمندان و متخصصین صنایع نفت انتظار داشتند که سرنوشت دولت موقت و مسئولین آن در امور نفت، سرمشقی برای آیندگان باشد و اینان وظایفی را که انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی در مورد اداره صنعت نفت و گاز و پتروشیمی مقرر می‌دارد، از قوه به فعل درآورند. آیا می‌توان گفت که چنین انتظاری تمام وکمال برآورده شده؟ متأسفانه پاسخ این سؤال منفی است.

پیروزی انقلاب برای رشد واقعی صنعت نفت و صنایع وابسته و جنبی آن، شرایط و امکانات فوق‌العاده مساعدی ایجاد کرده است. می‌توان گفت که انقلاب زمینه لازم را برای تبدیل ایران به کشوری برخوردار از صنایع عظیم و پیشرفته، نفت، صنایعی که نمودار استقلال اقتصادی ایران باشد. بطور کامل فراهم آورده است. مدیریت صنایع نفت ایران و در راس آن وزارت نفت که ایجاد آن خود یکی از پیروزیهای انقلاب است، وظیفه داشت که بحد کامل از این زمینه مساعد استفاده کند و موجبات پیشرفت همه جانبه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران را در همه زمینه‌ها فراهم آورد. متأسفانه باید گفت که چنین انتظاری برآورده نشده است.

لازم نیست جای دوری برویم. با ذکر مثال از وضع مجتمع پتروشیمی ایران - زاین، که نمونه‌ای از برخورد وزارت نفت با اداره صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در یکسال اخیر است، می‌توانیم زیان هائمی را که، در اثر ندانم‌کاری و یا احیاناً فقدان حسن نیت، به رشد و تقویت صنایع نفت ایران در دوران پس از انقلاب وارد آمده، در نظر مجسم سازیم.

در طرح مجتمع پتروشیمی ایران - زاین بیش از چهارمیلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده و ۹۰ درصد کارهای ساختمانی این طرح قبل از انقلاب به اجرا درآمده بود. پس از پیروزی انقلاب، امپریالیست‌های زاینی که نمی‌توانستند هدفهای انقلاب ایران را بپذیرا باشند، خود راساً و همچنین به اغوای امپریالیسم آمریکا، به اخلاص و کارشکنی در ادامه کار در مجتمع پرداختند. زاینیه‌ها رسماً و علناً از تکمیل طرح سرباز زدند، که نشانه خصومت آشکار آنها با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

وزارت نفت ایران بجای آنکه سریعاً در این مورد اتخاذ تصمیم کند و با استفاده از کمک فنی مجارستان و جمهوری دموکراتیک آلمان، که برای تکمیل طرح اعلام آمادگی کرده بودند، پروژه عظیم پتروشیمی را بکار اندازد، بیش از یکسال است که انجام طرح را موقوف نگاه داشته است. زاینی که در اثر موقوف نگاه داشتن تکمیل مجتمع پتروشیمی ایران - زاین به اقتصاد ملی ایران، خاصه به صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران وارد آمده و می‌آید، سربه میلیاردها دلار می‌زند. ارقام این زیان حتی برای اقتصاد کشورهای صنعتی ضربه آور است. نا چه رسد به اقتصاد ضعیف کشور ما، که دشواریهای دوران پس از انقلاب و اخلاص عمده دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر آنان را بر سر، درسی رودارد.

تنها در مسئله مجتمع پتروشیمی ایران - زاین نیست که نتایج زیان بخش سیاست نادرست نفتی وزارت نفت مشهود و آشکار است. قطع صدور گاز ایران، به کشور همسایه ما اتحاد شوروی، درست در زمانی که صنعت نفت و گاز ایران محتاج اداماین فعالیت است، گوشه دیگری از برخورد ناصحیح مسئولین به مسائل صنایع نفت و گاز و الزامات جهانی این صنایع است.

اخیراً حجت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران نیز بدرستی خاطر نشان ساختند که، در صورتیکه قیمت‌های پیشنهادی برای فروش گاز ایران به اتحاد شوروی غیرمنطقی با قیمت‌های جهانی است که این کالا معامله می‌شود، جادارد تصمیم قطع صدور گاز مورد مطالعه مجدد قرار گیرد.

اما چنانکه می‌بینیم، وزارت نفت ایران همچنان بر بسته بودن شیرهای صدور گاز ایران به کشور همسایه شمالی اصرار دارد و این نکته را که اینکار چه زیان هنگفتی به صنایع نفت و گاز ایران وارد می‌سازد، مسئله بی‌اهمیتی تلقی می‌کند.

ضرور بوده و هست که در مورد فروش آزاد و مستقل نفت ایران در بازار جهان، سیاستی منطبق بر اصل بازرگانی فروش کالا به خریداری که آن را گرانتر و با شرایط بهتر خریداری می‌کند، در پیش گرفته شود. ولی متأسفانه نشانه‌ای از اجرای کامل این سیاست در دست نیست. نفت ایران همچنان بطور عمده به بازار امپریالیستی برای فروش عرضه می‌شود، در حالیکه فروش آزاد آن در بازار جهانی، با شرایط برابر به همه خریداران، امتیازات بزرگی را در اختیار ایران می‌گذارد.

صنعت نفت و گاز و پتروشیمی از جمله صنایعی است که تنهافروش محصولات و فرآورده‌های آن دارای اهمیت نیست. خرید کالاهای لازم برای این صنعت از بازار جهانی نیز از اهمیت فوق-العاده برخوردار است.

اکنون تولید وسائل و ماشین آلات و ابزار صنعت نفت منحصر به جهان سرمایه داری نیست، که از این انحصار برای محروم داشتن کشورهای نفت خیز از امکان دفاع از حقوق حقه خود در نفت استفاده می‌کند. کشورهای سوسیالیستی نیز از عرضه کنندگان ماشین‌آلات و ابزار لازم برای صنایع نفت و گاز و پتروشیمی هستند. استفاده از این بازار، امکانات مهمی را برای تأمین استقلال صنایع نفت ایران در برابر تحمیلات دول امپریالیستی و انحصارات نفتی در اختیار ایران می‌گذارد.

متأسفانه باید گفت که تا همین امروز نیز امر خرید مایحتاج صنعت نفت ایران از خارج، در انحصار شرکت خدمات نفت ایران است، که مرکز آن در لندن است و از اقرار کنسرسیوم بین المللی نفت بشمار می‌رود. وزارت نفت، چنانکه در گزارش خود اعتراف می‌کند، در این باره هنوز تصمیمی نگرفته است.

رسیدگی به غارت ثروت نفت ایران در ۲۵ سال گذشته و طرح دعاوی ایران در برابر غارتگران امپریالیستی، که قریب چهارمیلیارد تن نفت ایران را به ثمن بخش تصاحب کردند، از ضروریات دفاع از منافع ایران در نفت است. ولی حتی حرف چنین رسیدگی و طرح دعاوی ایران در برابر کنسرسیوم، که درصدها مورد مختلف حقوق حقه ایران را زیر پا گذاشته، در وزارت نفت ایران مطرح نشده است.

مسائل استخدامی و رفاهی کارکنان صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و از بین بردن تبعیضات دوران تسلط کنسرسیوم، پاکسازی و یکپارچه کردن امتیازات کلیه کارکنان و برطرف کردن تفاوت‌های حقوقی، دست مزدی و رتبه‌ای، که همه آثارشوم تسلط استعمار و امپریالیسم را بر صنعت نفت ایران برپیشانی دارد، از دیگر اقداماتی است که باید بلافاصله پس از انقلاب صورت می‌گرفت. یکسال ونیم از انقلاب می‌گذرد و در این زمینه‌ها وزارت نفت هنوز سرگرم تهیه طرح قوانین و ضوابط است.

در مورد بازگو کردن سایه روش‌های فعالیت وزارت نفت بیش از این می‌توان گفت و نوشت. اما هم آنچه که برشته، تحریر نرژم، گواه اینست که موفقیت‌های تحصیل نشده بیش از آنست که بتواند رضایت خلق انقلابی را تأمین کند.

مردم خواستار تحولات واقعا انقلابی در اداره صنعت نفت ایران هستند، که برای تأمین استقلال و پیشرفت و تنبیت پیروزی‌های انقلاب، دارای اهمیت حیاتی است.

در یکسال ونیم گذشته این توقع برآورده شد. دولت انقلاب اکنون باید این توقع را برآورده

چریکهای اکثریت و کردستان

اخیرا بیانیه مسترکی از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) و گروه قاسملو، تحت عنوان "در باره صلح و نیروهای ضدانقلاب در کردستان" انتشار یافته، که موجب نهایت ناسف، تحیر و نگرانی است.

"بیانیه" در "کار" ۲۱ انعکاس نیافت، ولی متأسفانه صحت آن نیز تکذیب نگردید. این امر بدان معناست که "اکثریت"، علیرغم عدم تأکید بر روی "بیانیه"، هنوز عمق این اشتباه بزرگ را در نیافته است، که این خود اشتباه بزرگتری است.

"بیانیه مشترک"، که در شرایط فوقالعاده حساس کنونی کردستان انتشار یافته است، سخنان درستی را درباره موقعیت کنونی انقلاب ایران، دشمنان انقلاب و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا و بعث عراق و توطئه‌های عظیم آنها علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است. ولی از آنجا که "بیانیه" به تمامی برنقش خائنان و توطئه‌گران قاسملو و همفکرانش برده می‌کشد و آنها را جزو نیروهای انقلابی (!) جا می‌زند، از آنجا که تلاش گروه قاسملو را برای فریب توده‌های خلق کرد و همدستی آنها را با دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران کتمان می‌کند، و بالعکس، این مزدوران را مخالف این اعمال می‌نماید، نقض غرض است و بجای افشای ضدانقلاب، به آن یاری میرساند.

چرا و چگونه چریکها چنین دام عظیمی را بر سر راه خود تشخیص نداده‌اند؟ آیا آنها از واقعیت وجود گروه قاسملو بی‌خبرند؟ آیا اسناد و شواهد متعدد، که بویژه توسط حزب توده ایران انتشار یافته است و ماهیت وابسته خود فروخته قاسملوها را می‌نمایند، هنوز جایی برای خوش باوری و ساده اندیشی (آنهم تا به این حد) باقی می‌گذارد؟ "اکثریت" به دشمنانهای غلاظ و شداد قاسملو و همفکرانش علیه امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، که در بیانیه انعکاس یافته است، دل خوش داشته، اما بر روابط گسترده و آشکار (بویژه به برکت افشاگریهای حزب توده ایران) این دار و دسته با جنایتکاران بعثی و مزدوران امپریالیسم آمریکا، چشم فرو بسته و به یکباره آب تظہیر بر سر آنها ریخته است. چرا؟

آیا چریکها مفهوم توبه گرگ را درک نمی‌کنند؟! (البته قاسملو گرگ نیست. او عامل بعث عراق و امپریالیسم آمریکاست، که آگاهانه برای تأمین منافع ویژه اربابان سرمایه و جنایتکاران انحصارات بین‌المللی، به حزب توده ایران، اردوگاه سوسیالیسم و انقلاب ایران و دستاوردهای آن نفرت می‌ورزد و برای احیای منافع اربابان خویش، می‌درد، به خون می‌کشد و نابود می‌کند. چریکها فریب مکر چنین "گرگی" را خوردند.)

ویژه‌نامه خبر ۴۲ "اکثریت" مه‌آباد، که ۴ روز قبل از "بیانیه" انتشار یافته است، نشان می‌دهد که، چریکها با "گرگانی" که در دیدن را تقبیح می‌کنند، ناآشنا نیستند. آنها در این ویژه‌نامه، ضمن افشای حامد بیگ، از مزدوران بعث عراق، که دستگیر شده است، ضمن اعلام روابط گسترده این مزدور با بعث عراق و وابستگی داخلی آن، می‌نویسند:

"ما نوار اعترافات حامد بیگ را نیز منتشر خواهیم نمود، تا مردم خود قضاوت کنند چه کسانی در ظاهر علیه بعث شعار میدهند و در عمل باکشیف ترین مزدوران بعث عقد اتحاد می‌بندند. وجود حامد بیگ سند محکومیت کسانی است که بنام خلق علیه خلق توطئه می‌کنند و برای پوشاندن روابط زشت خود با مزدوران بعث دست به عوام‌فریبی می‌بزنند.

چریکها می‌افزایند:

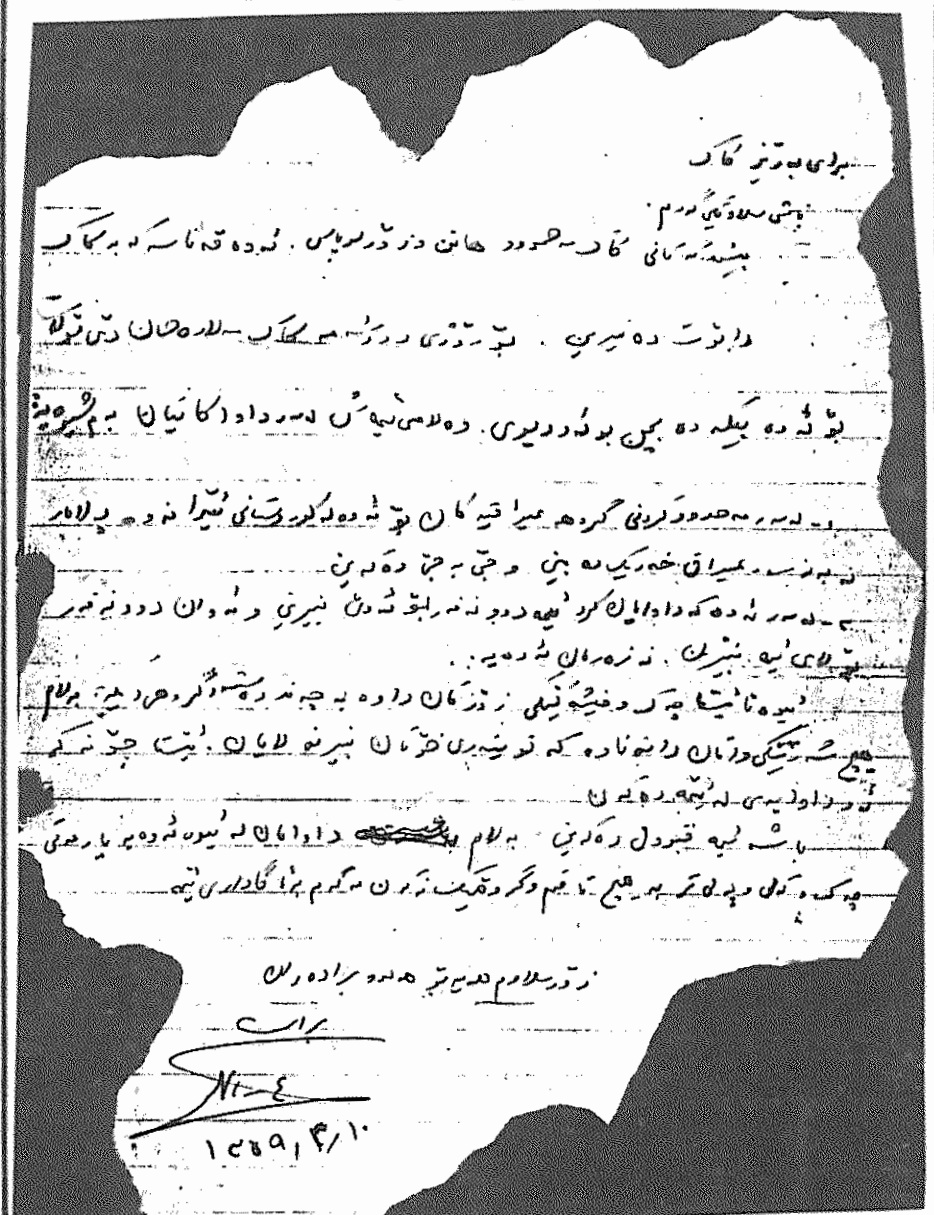
"کسانی پیدا شده اند که میکوشند زیرپوشش دفاع از حقوق خلق کرد و مقاومت در مقابل جنگ-افروزیهای هیئت حاکمه (!)، با رژیم بعث روابط بده، بستان برقرار نمایند.

و:

"هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعث و سایر ایادی امپریالیسم ارجانب نیروهای انقلابی و ترقیخواه گرفته نشود، آنها برسرجنبش ملی خلق کرد در ایران... بلایی را خواهند آورد که..."

"موقعیت نیروهای وابسته به بعث در کردستان ایران در مقایسه با سال گذشته و حتی چند ماه قبل این حقیقت را ثابت می‌کند که، هرگاه به مبارزه با

سند سرسپردگی قاسملو به بعث عراق



برادرگرامی...
 پس از اسامیای گرم
 پیشگامی کاک محمود آمدند. خیلی ممنون. اینهم قه‌نامه که بوسیله کاک... برای می‌فرستم. روز سمنین کاک ملا رحمان نزد شما می‌آید تا با هم به آن سوی مرز بروید. جواب ما هم درباره تقاضای آنان بدین قرار است:

۱- در مورد محدود کردن گروههای عراقی تا از طریق کردستان به عراق حمله نکنند، مافعالیت می‌کنیم و درست می‌کنیم.

۲- در مورد تقاضای شما که ما در نورآباد آنجا فرستیم و آنان نیز در نورآباد فرستند، نظرها اینست: شما اکنون اسلحه و مهمات زیادی به چند دسته و گروه داده‌اید، اما چنین شرطی که نماینده خودتان را نزد آنان نفرستید، برایشان نگذاشته‌اید. حال چطور شده که این تقاضا را ابرام دارید؟ با سند ما قبول می‌کنیم، اما تقاضای شما از ما اینست که گروههای دیگر کمک تسلیحاتی و غیره نکنند، مگر با اطلاع ما.

برای برادران سلام زیاد دارم.
 برادرت - قاسملو
 ۵۹/۳/۱۵

قاسملو به همراه اکثریت، "ادامه و گسترش جنگ برادر گشی در کردستان (را) بجزای مبارزات ضد-امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران" میدانند! و "نمی‌خواهند ایادی و اعمال امپریالیسم جنایتکار آمریکا، کردستان را به عرصه اعمال توطئه‌گران و ضدانقلابی خود تبدیل نمایند!"

"بیانیه" اعلام میکند که قاسملو و همفکرانش نیز به همراه اکثریت معتقدند که رژیم جنایتکار و ضد خلقی بعث عراق، به پایگاه امنی برای کلیه دشمنان انقلاب ایران تبدیل شده است! و "عناصر وابسته و جنگ افروز در کردستان... تحت لوی دفاع از حقوق خلق کرد... با تضعیف انقلاب هر چه بیشتر به امپریالیسم آمریکا خدمت می‌کنند!"

اما چریکها، در تاریخ ۱۷ مرداد ۵۹، که کباب "بیانیه مشترک" را امضا کردند و در واقع با این عمل، خود را در یک موضع سیاسی با قاسملوها قرار دادند (آنها می‌خواستند که قاسملوها را در موضع خویش قرار دهند، ولی این تلاش آشکارا عیبی بود و "بیانیه" به امری خلاف این "بیت حبر" بحق بخشیده است)، می‌بایست از ماهیت واقعی قاسملو و همفکران وی ساخت کاملی داشته باشند. در آن زمان هیئت نیروهای صدیق خلق سوپره بواسطه فاسدکاریهای حزب توده ایران، بسی نقابنا از چهره قاسملو و یارانش دریده شده بود و سی حقایق در مورد ماهیت واقعی این خائنین به خلق کرد آشکار شده بود.

قریب به دو ماه پیش از انتشار "بیانیه مشترک"، کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (بیرو کنکره چهارم)، صص افشای انحرافات قاسملو و همفکرانش از مصوبات کنکره چهارم این حزب و تلاشهای جنگ افروزانه این گروه، را در خود را فاطمانه از راه این دشمنان خلق کرد جدا کرد. کمی بعد، در تاریخ ۲۹ مرداد ۵۹، نامه "مردم"، طی مقاله‌ای تحت عنوان "قاسملو و همفکران در

نیروهای وابسته توجه جدی مبذول نکرد، دیری نخواهد پاید که نیروهای وابسته به بعث و امپریالیسم از طریق نفوذ در جنبش ملی، به انقلاب مردم ایران و جنبش ملی خلق کرد ضربات جبران ناپذیری وارد خواهند ساخت."

"از نظر ما، بدون مبارزه‌ای پیگیر و بی‌امان با نیروهای وابسته که همواره در تلاش جنگ افروزی می‌باشند، استقرار صلح و تأمین حقوق عادلانه خلق کرد امکان پذیر نخواهد بود."

اما ۴ روز بعد، چریکها این نظریات صحیح، بجا و مسئولانه را در مقابل "گرگی" بسیار خطرناکتر از حامد بیگ به فراموشی می‌سپارند. فراموش می‌کنند که کسانی یافت می‌شوند که در ظاهر علیه بعث شعار میدهند و در عمل باکشیف ترین مزدوران بعث عقد اتحاد می‌بندند، فراموش می‌کنند که "کسانی پیدا شده‌اند که... زیرپوشش دفاع از حقوق خلق کرد... با رژیم بعث روابط بده، بستان برقرار (می‌کنند)..." فراموش می‌کنند که "هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعث گرفته نشود"، "به مبارزه با نیروهای وابسته توجه جدی مبذول نکرد"، جنبش خلق کرد لطفاً هولناک خواهد دید و به انقلاب ایران نیز ضربات جدی وارد خواهد شد.

در "بیانیه" آمده است:

"سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان (منظور گروه قاسملو است) همواره (!) بر این امر تأکید داشته اند که مسائل کردستان راه حل نظامی ندارد، و اینکه در صورت ادامه جنگ... فرماندهان مزدور و خائن ارتش... سایر دوستان و چاقوسان امپریالیسم (که لاند قاسملو و همفکرانش جزو آنها نیستند!)، امکان می‌یابند... کودتای دیگری را... (برای) تحکیم مجدد سلطنتشوم امپریالیسم آمریکا، تدارک ببینند."

"بیانیه مشترک" اعلام کرده است که گروه

سراشیب انفراد و شکت... نشان داد که چگونه ایسان، دشمنان آشکار خلق کرد و مزدوران بعث عراق و امپریالیسم آمریکا چون گولمه‌ها، عیارها و... را، از زمره متحدین خود می‌شمارند. نامه "مردم" در این مقاله اعلام کرده، علیرغم دشمنانهای آشکار قاسملو و همفکرانش علیه امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، عملکرد آنها را آشکارا در خدمت اهداف پلید این دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران می‌بینند.

در تاریخ ۲۳ تیرماه ۵۹، نامه "مردم"، ضمن افشای نامه "برادرانه" قاسملو به سکوعلی‌آباد، افسر فراری شاهنشاهی و از وابستگان امپریالیسم آمریکا و بعث عراق، پیوند نزدیک وی را با دشمنان انقلاب ایران نشان داد.

در همین شماره، نامه "مردم" از ملاقات محرمانه قاسملو با طه جزراوی، معاون رئیس جمعی و جواد مردم عراق، برده برداشت و افشا کرد که قاسملو از علی قاضی (معروف به کوری رهن) عامل دیکریا و بعث عراق، مقادیر زیادی سلاح-بشرط آنکه علیه "هیئت حاکمه" و حزب توده ایران بکار رود - دریافت داشته است.

نامه "مردم" در تاریخ ۱۸ تیرماه ۵۹، از رابطه قاسملو با "ناتو" برده برداشت و اعلام کرد که این مزدور ۹۹ میلیون دلار برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران و بالتبع علیه خلق کرد، از اتحادیه نظامی سرمایه‌داری جهانی "کمک" گرفته است.

نامه "مردم" در تاریخ ۱۴ مرداد ۵۹، ضمن انتشار نامه شورای فرماندهی سپاه سکو به قاسملو و همفکرانش، اعتراضات این بخش از نیروهای صدیق خلق کرد را علیه اعمال خائنان و توطئه - گرانایان، منعکس ساخت و در همین شماره خاطرنشان ساخت که قاسملو در یک سخنرانی به تاریخ ۱۷/۵/۵۹، گرفتن "کمک دولتهای دیگر" مورد تأیید قرارداد و افزوده است که "تاسرحد نابودی خواهیم جنگید"

نامه "مردم" در تاریخ ۱۶ مرداد ۵۹ (روز پیش از امضای "بیانیه مشترک")، سند تکان دهنده‌ای منتشر ساخت که در آن وابستگی تام و تمام قاسملو به بعث عراق، با وضوح تمام به اثبات رسیده بود. در این سند، قاسملو سرسپردگی خود را به بعث مورد تأیید قرار میدهد و حتی می‌پذیرد که او (فرستاده بعثی)، فعالیت های قاسملو و همفکرانش را مورد نظارت و هدایت قرار دهند.

اندکی بعد، یعنی در تاریخ ۲۰ مرداد ۵۹، نامه "مردم" از ملاقات محرمانه قاسملو با ختیار خاش برده برداشت و اعلام کرد که ایندو در اواخر تیرماه ۵۹ در عراق جهت تشریک مساعی علیه انقلاب ایران با یکدیگر ملاقات کرده‌اند.

"اکثریت" بهنگام امضای "بیانیه مشترک" نمی‌توانست از این حقایق تکان دهنده بی‌اطلاع باشد، برعکس، بعنوان یک نیروی سیاسی مدعی مدافعه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌بایست از همه آنها آگاه باشد. ولی چریکها ظاهراً ترجیح داده‌اند که بر این حقایق چشم فرو بندند و به دیگران اعلام کنند که "گرگ" طبیعت خود را تغییر داده است و با این اقدام خود ظاهراً کوشیده‌اند که به "گرگ" نیز قبولانند که طبیعت خود را تغییر دهد!

چریکها نه فقط با تازیانه این حقایق دهشتناک هشدار نشدند، بلکه حتی حقایق را که خود بدانها بی‌برده بودند نیز کتمان کردند. آنها چهار روز قبل از امضای "بیانیه مشترک"، از حامد بیگ، مزدور بعث عراق، بسیار چیزها شنیده بودند. آنها میدانستند که حامد بیگ اصولاً برای ملاقات با قاسملو به مه‌آباد آمده بوده است و پس از این ملاقات نیز توسط چریکها دستگیر شده بود. چریکها سه سؤال نخستین را که حامد بیگ به آنها پاسخ داده بود، منتشر ساختند و علیرغم آنکه خود همسواره تأکید می‌کنند که "نباید به مردم دروغ گفت"، ۴ روز بعد، بیانیه‌ای با گروه قاسملو امضا کردند، که در واقع به مردم کرد و دیگر نیروهای صدیق، دروغی بزرگ در مورد ماهیت قاسملو ها حویل میداد.

استباه عظیم چریکها بویژه در آنجاست که آنها نوجند کرده‌اند که این قاسملو و همفکرانش نیستند که با آنها "بیانیه" مشترک امضاء کرده‌اند. چریکها درست در زمانی با این باند خائنین به توافق رسیدند، که دو ماه قبل از آن (در تاریخ ۱۰ خرداد ۵۹) قاسملو با بعث عراق به توافق رسیده بود، که در قبال جنبش مردمی و مسلحانی او و گروهش، سرسریه کامل آنها باسد و دوعرقتی را نیز برای نظارت بر اجرای این عهد بندی بپذیرد. تی، چریکها بی‌آنکه خود بخوانند، با آن دو "ناظر" عراقی و یابار رژیم بعث عراق، "بیانیه مشترک" امضاء کرده‌اند!

چریکها در زمانی با قاسملو و همفکرانش "بیانیه مشترک" امضا کردند و آنها را خصم امپریالیسم آمریکا و بعث عراق و نمود ساختند که گروه قاسملو به برکت افشاریهای نیروهای مترقی و انقلابی، زیرضربه شدید افکار عمومی و نیروهای آگاه خلق کرد و دیگر نیروهای صدیق انقلابی قرار گرفته بودند. امری که

رژیم «سیا» ساخته و فاشیستی شیلی، ایران انقلابی را به «وابستگی» و «نقض قانون» متهم میکند!

«سیا» پرورده‌ای، که در قبال دسیسه‌های تجاوزکارانه و مداوم امپریالیسم آمریکا به حاکمیت و تمامیت کشورمان، حتی یک کلمه از ارباب مذمت نکرد، و نمیتوانست هم بکند، اینک گستاخانه از «نقض قوانین بین‌المللی» سخن میگوید!

تصمیم دولت ایران مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک باشیلی، به عنوان «اعتراض به ادامه سیاست اختناق و سرکوب»، درست درآستانه یکی از فاحش‌ترین نمونه‌های نقض قانونیت رژیم اعلام گشت که، قانونی نمایی آن در تدارک «قانون اساسی!» قلابی، تنها علق ماهیت مزورانه، خونخوار شیلی را نشان می‌دهد.

به موجب این «قانون اساسی!»، جلدتشیلی، که در هفت سال پیش تنها «قانونیت» آن تکیه بر سر نیزه بوده‌است، شش سال دیگر براریکه قدرت باقی خواهد ماند. وی پس از آن نیز، چنانچه «ضرورت» (بخوان: ضرورت ادامه رژیم ترور و اختناق) ایجاب کند، این حق «قانونی!» را خواهد داشت، که برای یک دوره دیگر به جنایات خود ادامه دهد.

پیش نویس «قانون اساسی!» پینوشه بسه بسی «دادگاههای» شیلی این حق! را میدهد که علیه «نشر عقاید و اخباری که با اخلاقیات، نظم عمومی، امنیت ملی و زندگی خصوصی شهروندان، مغایرت دارد»، به مقابله بپردازند.

در این متن عین اظهاراتی که دیکتاتور شیلی در هفت سال گذشته بارها برای توجیه «قانونی» رژیم ترور و اختناقش بکار برده است، تسجیل «قانونی» می‌یابد.

طبق این «قانون اساسی!»، فعالیت همه احزاب و سازمانهای سیاسی «هوادار دگرترین‌هایی که مشوق قهر هستند و نظارتشان در باره جامعه، دولت و نظم قضایی بر پایه خودکامگی و نبرد طبقاتی استوار است»، ممنوع اعلام شده است. فزون بر این، درینجسال آینده، پینوشه و خونت «سنا» رانیز برخواهندگزدید. این ماده «قانونی» بلافاصله حکومت فاشیستی فرانکو را بپایدمی‌آورد. هرچه باشد یکی از طراحان «قانون اساسی» کذایی، خائیم گوزمن، مشاور «ایدئولوژیک» و یکی از مریدان سرخست دیکتاتور اسپانیاست. واقعا، و قاحت (بخوان: پینوشه) میخواهد که، سرکرده رژیم «سیا» ساخته، درآستانه چنین قانون شکنی آشکار، ایران انقلابی را به وابستگی و نقض قانون متهم کند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از سانتیاگو، پینوشه سربرده امپریالیسم آمریکا در شیلی، «عوامل هوادار شوروی!» را در دولت ایران متهم کرد که به موجب قطع روابط دیپلماتیک میان شیلی و ایران سدهاند! همچنین وزارت خارجه شیلی، در اطلاعیه ای، ایران را به نقض «قوانین بین‌المللی» و «مداخله در امور داخلی» متهم ساخت.

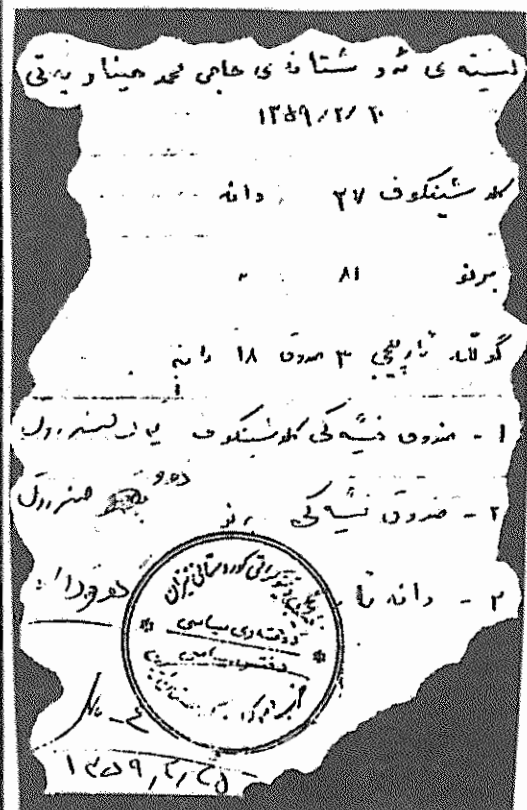
به این ترتیب، می‌بینیم که اقدام درست و مثبت دولت ایران مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک با رژیم نیکار شیلی، چنانچه انتظار میرفت، خشم رماژ داران آن کشور را برانگیخته‌است. این خشم نه تنها همه انقلابیون را سادمان می‌کند، بلکه این تاه سف آنرا را هم تاه بید می‌کنند که، چرا این تصمیم بجا، در نخستین لحظات پس از پیروزی، «مثلا» بایبای قطع روابط دیپلماتیک با رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی، اعلام نشد.

پینوشه و دارو دستهای با واکنش نامبرده، سرشت مزورانه و وابستگی عبودت آمیز خویش را به امپریالیسم آمریکا بار دیگر به‌منوت می‌رسانند. عنصر بلید و خائنی، که به گواهی خود مقامات آمریکائی، به یاری فعالانه «سیا» و پاکوئتایی خون بار، حکومت قانونی و خلقی آئنده را واژگون ساخت و هفت سال است که بادست‌پازی به وحشیانه‌ترین ددمنشی‌ها به حکومت سرکوبکارانه خود ادامه میدهد اینک قطع روابط دیپلماتیک ایران را باشیلی، نتیجه وجود «عوامل هوادار شوروی!» در دولت ایران می‌داند و از نقض «قوانین» سخن می‌گوید!

ادعای وجود «عوامل هوادار شوروی!» در دولت ایران، که گویا در نتیجه اعمال نفوذ آنها، روابط دیپلماتیک با شیلی قطع شود، چنان مبتذل است، که حاجت به پاسخ ندارد. اما این ابتدال بار دیگر نشان می‌دهد که چگونه حتی خائنانی رسوا، چون پینوشه، برای استتار وابستگی خود به امپریالیسم آمریکا و پوشاندن رژیم فاشیستی خویش، از سلاح کهنه ضد کمونیسم و ضد شوروی استفاده می‌جویند. پینوشه، در این زمینه هم، عین تبلیغات پوچی را تکرار می‌کند که مراکز جنگ واتی امپریالیسم و ارتجاع جهانی درباره باصطلاح خطر کمونیسم، در ایران روز و شب به‌خورد عام می‌دهند.

انتیام نقض «قوانین بین‌المللی» پینوشه و دستهای هم بیخج روی مبتکرانه نیست. مگر نتا که کشورهای امپریالیستی و رسانه‌های گروهی اجیرشان از نخستین ساعت‌های پس از پیروزی انقلاب ایران و بویژه بعد از تسخیر انقلابی جاسوخانه آمریکادر تهران، درباره باصطلاح نقض قوانین بین‌المللی در ایران رجز می‌خوانند؟

رسید قاسملو در قبال تحویل اسلحه عراقی



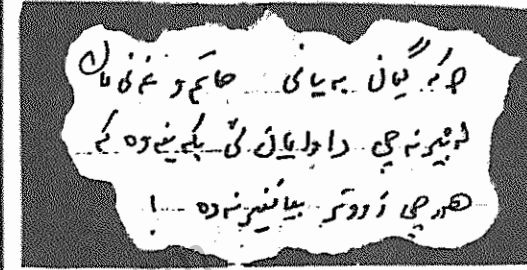
ترجمه سند

لیست اسبابی که حاجی محمد آورده است:
۵۹/۲/۲۵
کلاسینکوف ۲۷ قبضه
برنو ۸۱
کلوله آری پی جی ۳ صندوق ۱۸ عدد
۱- فشنگ کلاسینکوف یک صندوق
۲- فشنگ برنو دو صندوق
۳- تعداد آری پی جی دو عدد
مهر دفتر سیاسی ح د ک ا
ع- قاسملو
۵۹/۲/۲۵

توضیح سند

منظور از حاجی محمد، حاجی محمد چیان است که در منطقه استویه زندگی می‌کند. وی بدستور قاسملو تا بحال دوباره به عراق رفته و اسلحه وارد کرده است. وی با علی قاضی (کورری رهش) و سردار جاف ملاقات داشته است. او همچنین رابط بین محی الدین هرکی از عمال سرشناس بعث عراق و رسیدیک جهانگیری نیز هست.

افسران قاسملو در عراق آموزش می‌بینند



ترجمه سند

برادر جان حاتم و غنی را فراموش نکنیم از آنها خواهیم که هر چه زودتر برشان گردانند.

توضیح سند

منظور از حاتم، ستوان خلبان حسن حاتم است، و منظور از غنی، یک گروهان فراری نیروی هوایی است. ایندو بدستور قاسملو تاکنون چند بار به عراق رفته‌اند و یکماه و نیم در عراق دوره خلبانی هلیکوپتر را در شهرهای موصل و کرکوک دیده‌اند، تا در موقع لزوم هم پایگاههای مبارزان عراقی را در خاک ایران بمباران کنند و هم در توطئه‌های خائنه علیه انقلاب ایران مشارکت نمایند. ایندو تاکنون قریب به نیم میلیون تومان بول عراقی و دهها قبضه اسلحه نیز وارد خاک ایران کرده‌اند. حاتم فرماندهی نیروهای پیشمرگ در منطقه ترگور و گور را بدستور قاسملو بر عهده دارد، و غنی معاون اوست.

۱- شما وقتی برای گرفتن اسلحه عراق رفعت خود را تحت چه هوای مرضی کردید؟
در آنجا خود را بلام نماندید. در فراق مرضی نمودم.

۲- تاکنون چند مورد برای گرفتن اسلحه به عراق رفته‌اید؟
تاکنون سه بار به عراق مراجعه نمودم. سید قبضه کلاشینکوف و برنو و پنج قبضه آری پی جی ۷ تحویل گرفته‌ام. مقدار زیادی هم فشنگ برنو و کلاشینکوف و موشک آری پی جی هم اسلحه‌هایی که از رژیم بعث تحویل گرفته‌ام چده است.

۳- شما وقتی برای گرفتن اسلحه عراق رفعت خود را تحت چه هوای مرضی کردید؟
در آنجا خود را بلام نماندید. در فراق مرضی نمودم.

۴- تاکنون چند مورد برای گرفتن اسلحه به عراق رفته‌اید؟
تاکنون سه بار به عراق مراجعه نمودم. سید قبضه کلاشینکوف و برنو و پنج قبضه آری پی جی ۷ تحویل گرفته‌ام. مقدار زیادی هم فشنگ برنو و کلاشینکوف و موشک آری پی جی هم اسلحه‌هایی که از رژیم بعث تحویل گرفته‌ام چده است.

بیه سوال نخست را در پیشگاه مردم افشا کنید!

۱- افشای گنیمت

۲- افشای گنیمت

۳- افشای گنیمت

۴- افشای گنیمت

۵- افشای گنیمت

۶- افشای گنیمت

۷- افشای گنیمت

۸- افشای گنیمت

۹- افشای گنیمت

۱۰- افشای گنیمت

۱۱- افشای گنیمت

۱۲- افشای گنیمت

۱۳- افشای گنیمت

۱۴- افشای گنیمت

۱۵- افشای گنیمت

۱۶- افشای گنیمت

۱۷- افشای گنیمت

۱۸- افشای گنیمت

۱۹- افشای گنیمت

۲۰- افشای گنیمت

خشم و کین دیوانه‌وار آنان را برانگیخت و چهره واقعی این مزدوران بعثی را از زیر دعای دموکرات مابانه آنها عیان ساخت. قاسملو و دستیارانش، چون کریم حسامی‌ها، در قبال این افشاگریها به دفاتر حزب توده ایران حمله کردند، آنها را به آتش کشیدند، اعضا و هواداران حزب توده ایران را مورد ضرب و شتم قرار دادند و شخصیت‌های انقلابی و صدیق خلق کرد را بکشتن و تهدید بمرگ کردند.

چریکهایمانی با گروه قاسملو به «توافق» رسیدند که بخوبی میدانستند، نیروهای صدیق و انقلابی در حزب دموکرات کردستان ایران، بسی پیش از آنکه چریکها ضرورت تامین صلح در کردستان را تشخیص دهند و ادامه جنگ برادرگشی را بسود امپریالیسم آمریکا و اصول برافروخته شدن جنگ را از ناحیه عوامل امپریالیسم و بعث عراق، بدانند، از امر صلح در کردستان مدافعه کرده و با آتش افروزان، یعنی باند قاسملو، جدالی سهمگین، ولی بی نتیجه را در درون حزب دموکرات کردستان، به انجام رسانده بودند. چریکهای بخوبی میدانستند که قاسملو و همفکرانش از عوامل اصلی جنگ اخیر در کردستان بوده‌اند و در زمانیکه احمد عزیزی و فاروق کیخسروی (مسئولان سندج و سقز و از رهبران پیروکنگره چهارم) طوسی اعلامیه‌هایی جنگ و درگیری را محکوم کرده و خواستار صلح و آرامش بودند دستور شرکت در جنگ را صادر کرده‌اند و مبر، گروهیان فراری رکن ۲ و مسئول نظامی حزب دموکرات در سندج، بدستور قاسملو با گوله همکاری کرد و حزب دموکرات و کردستان را در جنگ برادرگشی درگیر ساخت.

چریکها درست در زمانی با قاسملو «بیانیه مشترک» امضا کردند و در آن اورا کسی که معتقد است «دامه و گسترش جنگ برادرگشی در کردستان، به زیان مبارزات ضد امپریالیستی-دموکراتیک مردم ایران (است)»، خواندند، که فاروق کیخسروی و احمد عزیزی، درست بدلیل صدور اعلامیه‌های فوق - الذکر و مخالفت با جنگ افروزی قاسملو، در زندان باند قاسملو بسر می‌برند (ومی‌برند) و جان آنها در خطر جدی قرار داشت (و دارد). آیا این برخورد کبک وار، به مسخره گرفتن حقایق نیست؟ آنجا که ۱۸ ماه است زیر لوی «دفاع از حقوق

امپریالیسم آمریکا با اثبات رسانده‌اند، درست در زمانی که زیر ضرب موج افشاگری نیروهای صدیق خلق کرد قرار دارند و عرصه را بر خود بشدت تنگ می‌بینند، ناگهان باخوش باورانی روبرو میشوند که حاضرند تنها در قبال مثنی کلمات آتشین علیه بعث عراق و امپریالیسم آمریکا، «گذشته» هارا فراموش کنند و آنها را خصم امپریالیسم آمریکا و بعث عراق و نمود سازند.

«اکثریت» با ارتکاب این اشتباه بزرگ، نه فقط از انجام وظیفه خطیر هم‌بازار صدیق ضد امپریالیست و مدافع حقوق خلق کرد، که همانا افشای این عوامفریبان و بیرون کشیدن ناآگاهان از دام فریب ایمن است، شانه خالی کرده‌اند، نه فقط چیه کارزار افشاگران علیه دشمنان خلق کرد را تضعیف کرده‌اند، بلکه با وثیقه نهادن اعتبار

خلق کرد»، در امر تامین صلح خرابکاری کرده و ضربات جدی بر اعتبار و نفوذ حزب دموکرات کردستان ایران وارد ساخته‌اند، آنها که چشم بر گسترش دامنه فعالیت گروه‌های مزدور بعثی فرو بسته و اشغال خزنده کردستان را توسط بعث عراق و دیگر مزدوران امپریالیسم آمریکا، نادیده گرفتند، با آنها همکاری کرده‌اند و از مقابله با آنها مخالفت نموده‌اند، آنها که طبق حقایق افشا شده، روابط مستحکمی با مزدوران کودتاجی امپریالیسم در ارتش برقرار کرده و در پیشبرد توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و بعث عراق علیه انقلاب ایران، از هیچ‌گونه همراهی وهمدلی، فروگذار نکرده‌اند و اکنون نیز منتظر فرصت اند، تا در اجرای توطئه عظیم دیگری با آنها تشریک مساعی کنند، و بالاخره آنها که سرسردگی بی‌چون و چرای خود را به بعث عراق و

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تامین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

دهقانان میثاق بستند

شورای ده آنگرم کوار احتیاج به حمایت دارد

روسای آنگرم کوار، اروابع استان فارس است. رئیس سابق انجمن دهورئیس سابق سرک معاوی این روسا (ارمان رزمی-ماه سابق) اربوعمیت خود سو، اسفاده کردند و مبلغی پول واحسان سرک معاوی روسا را به سرف بردند.

مدنی بیس دردهمدکور، با نظارت سپاهسداران، انتخابات شورانجام شد و غیرنماینده برای ۳۵۰ نفرانتخاب شدند. در این انتخابات، رئیس سابق انجمن ده نیز سرک کردولی ایدانتخاب شد.

چون در این روسا مدرسه راهنمایی وجود ندارد، به درخواست سورا مبلغ سی هزار تومان بکک خود روستائیان جمع آوری شد، تا مبلغ ۱۰۵ هزار تومان کک دولت، مدرسه برای این روستا ساخته شود.

روسائیان این بار نیز برای بار دوم به دادگاه انقلاب شکایت کردند، تا بلکه از طریق قانونی بتوانند جلوی کارشکنی ها و تحریکات این فرد و عوامل او را بگیرند.

بانوجه به این که شوراهای ده قدرت اجرایی ندارند، کارشکنی در امور شوراستقیما مخالفت با خواست دهقانان و قانون اساسی است.

در نه کران یک برک متواند جان بیمار را از مرگ نجات دهد. اخیرا فتوکی نامهای به امضاء ۵ نفر از اهالی روستای نه کران (ارنواع بخشیمین در اردبیل) به دفترنامه "مردم" ارسال شده است.

بمناسبت سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کارگران سندیکای فلز کار مکانیک تهران و حومه، پرچم آمریکا را با تاش کشیدند. کارگر، زحمتکش برضد کودتایند

کارگران فریادمیزدند: پالیزبان، پختیار، فرماندهان مزدور، در فکر کودتایند. بمناسبت سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، روز سه شنبه ۲۸ مرداد ۵۹ از طرف سندیکای کارگران فلز کار مکانیک تهران و حومه مراسمی در میدان گمرک برگزار شد.

فقر و محرومیت در جنوب کشور بیداد میکند

روز ساید محرم نامه مردم ارگان حزب توده ایران: مناطق جنوبی ایران بخصوص منطقه سیرسا سدرلیکد و روساهای باسعه آن ارجحله ساطعی هسند که نتر آسکار و سگاری و بی وساطی در آنجا سداده بی کسد.

روز روز بی سیم روساهای منطقه سدرلیکد حالی و حالی ارسکد بی سوبد و غلب جری جز نقر وسگاری و بی وساطی کد هسند کرسانکر مردمان محروم این ساطعی بوده است، نسب، هسکدام ار روساهای ساطعی سدرلیکد از سادد برس و اسدائی برس امکانات ربدکی ارسصل کار، سیداس همگای، برق و آب آسادی سیداسی و غیره برخوردار سسند که این ها غلب عمده کوچ کردن اهالی این منطقه سسیرهای محاور وبه خارج ار کسور و سسج سسینای خلج فارس است.

روسای سدرمیوه کد در ۴۲ کیلومتری غرب سیرسا سدرلیکد واقع است و ارسالهای طولانی با سال ۱۳۴۹ دارای ۵۰۰۰ نفر جمعیت بوده و اهالی این روسا به اسکال محصل ارجحله ماهی گیری و آمد و رفت سانس مرزی به خارج امرار معاس می کرده اند. برانر سدرمهاده داری وابسد مردم زحمتکی این روسا هساند سابر زحمتکسان کسور سگار سسند. امروز اگر سری به روسای سدرمیوه، برنیم سسینر از بانصد سقر در آنجا نسینوان یاف. تا کورن هسجکوبه اندامی در راه رف سسکلات کرسانکر مردم روساهای منطقه ار طرف مقامات مسؤل سسده است و اکر به خواست های اساسی زحمتکسان این مناطق که عمده ترین آنها بانوجه به ساخت اقتصادی و جغرافیائی آن گارمیباشد جواب و رسدکی جدی سسود به بیس میثوان کت که همه ساکنین روسای سدر میوه و سابر روساها بدلیل محرومیت سسید و بیگاری به خارج و به سسج سسینای خلج فارس واروظ عزیر کوچ خواهند کرد.

جمعیت ار اهالی روساهای منطقه سیرسا سدرلیکد (جمعی ار اهالی روساهای منطقه سیرسا سدرلیکد) اسدواریم مقامات مسؤل بانوجه دسوق به خواستها و نیازهای زحمتکسان روسائی، ربدکی آنان را نامین کرده برای رسد اقتصادی منطقه و ایجاد کار برای روسائیان، بکوسند.

صورت وجود بکفریزک، است. بانوجه به برنامه دولت و رهبرانقلاب جهت نحت بوسن فرار دادن تمام روساها ارنظر درمانی و سیداسی و اینک با بکفر برک میثوان درمانگاه فوق را افتتاح و ساکنین جدید قریه را نحت بوسن درمانی فرار داد مصرانه خواستاریم که بوسن سیداری و سیزسی نمایندهای جهت بازید درمانگاه اعزام و به اسنخدام بکفریزک عمومی مبادرت ورزیده تا درمانگاه شروع بکار ساطد.

در ضمن همین نامه به دسفریاس جمنوری ارسال کرده اس. امیدواریم مقامات مسؤل هرحد سربسر نیازمیرم این دهقانان راه برک و دارو برآورده سارند.

کفشان دوره گرد مهیاد: ما اصلا فراموش شده ایم



هر هکدری کدار حیابان ناصی محمد بکدر، بی اخیار منوجه واکیها و تعمیرکنندگان کس می سوبد، که در کنار حیابان بساط خویش را کسدره اند و با حرکت نند دستانان، نضهای عابران را برق و جلا می اندازند و با مسؤل بیس کردن نه کسهای یاره و یاسانیده نده هسند، وگاهگاهی نیر با نگاهی حسرت بار رهکدران رامی یابند.

در میناب حدود ۲۵ نفر از این نوع کفشان دوره گرد وجود دارد. البته این تعداد در نوسان و تغییر است، چون هر یک، با بدست آوردن شغل بناست تر، این نوع کفشی را کنار می کدارد. آنها عالبا روزانه ۱۱ الی ۱۲ ساعت کار می کیند و درآمدشان به زحمت کفان مخرجان را می دهد. بعضی از این کفشان همکاری نیز دارند، که در هلتیا یا کافهها و جاهای برجعییت، به دنبال یافتن مشتری روان میسوند. دلیل عمده روی آوردن اینان به این نوع کفشی، نداشتن کار مسخس بوده است و سسینر به خاطر فقر و نکدستی.

باحد نفر از این کارگران کفشی به صحت می نسینیم جعفر، جوان است و دستهایش برنوان برای تولید می کت: "۲ سال است به این شغل روی آورده ام. حدود ۸ سال قبل بدعلت فقر شدید مالی ترک تحصیل کردم. چند روز قبل برای خرید دارو برای جسمم به ارومیه رتم. دو سست تومان خرج

مکلاب و کمبود و نارسایی فراوانی در زندگی این زحمتکسان ساهده سسود. بعد از سیری سدن هسجده ماه از انقلاب، کرانی، بیگاری و دیگر ناراحتیها و مسکلات، یاران انقلاب مارانیدید می کند. وچنان که بوضوح می بینیم، یکی از زمینهای استفاده نوظنه کران ضدانقلابی نارضایی مردم است.

دست بدست هم، در راه حقی یکی اراسی-ترین خواستهای زحمتکسان، یعنی نامین کار و زندگی بیشتر گام برداریم.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقایع انقلابی از زیر این بار نجات داد

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از روزهای سیاه جنبش ضد امپریالیست و دمکراتیک مردم ایران است. در این روز امپریالیسم چنانکه آمریکا و متحدان داخلی آن بانستزدن به یک کودتای نظامی مبارزات توده ها را سرکوب کردند و بعد از آن یاندوره طولانی دیکتاتوری و خفتان برجامه ما حکم فرما شد.

۷ سال است کارمیکم و مدت کوتاهی است که به سندرکا پیوسته ام و میدانم در اثر تشکل است که میثوانیم بحق خود برسیم. با انقلابی که در کشور ما صورت گرفته، ما کارگران از رژیم جدید می خواهیم که سندرکا، این سنگر مبارزه کارگری را برسیت بناسد و خواستهای ما کارگران را از نظر یسه، به دساشتن و امنیت محیط کار، مسکن تامین کند و دستمزدها را نسبت به تورم موجود افزایش دهد و مهتر از همه ماده ۳۳ قانون تامین اجتماعی را لغو نماید.



از آنجا که پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد توسط امپریالیسم آمریکا، این ما کارگران بودیم که بیشتر از هر فرد دیگر مورد استعمار واقع شدیم، و رژیم جدید به این امر واقف است، می باید تمام رابطه ما با امپریالیسم جهانخوار آمریکا لغو شود، تا مملکت ما بتواند به استقلال خود برسد، زیرا در اثر استقلال است که ما میثوانیم جامعه خود را هر چه بهتر بسازیم.

آماده باش! شیطان بزرگ می خواهد برگردد

دهقانان عزیز!

شیطان بزرگ - آمریکای جهانخواه، از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، به کمک ایادی داخلی خود، از هیچ تلاشی برای نابودی انقلاب شکرهمند ما فروگذار نکرده است.

روزی نیست که آمریکا و دست نشانده گانش، یعنی سرمایه داران وابسته، زمین داران بزرگ و ساراکی ها علیه انقلاب ماتمونه نکنند. زمین داران بزرگ و فئودالها، که از دستاورد بزرگ انقلاب، یعنی واگذاری زمین به دهقانان صبی دست وحشت دارند، هر روز علیه شما دهقانان زحمتکش تامل می کنند، خرم های شما را آتش می زنند و یا شما را بی جهت به دادگاه می کشانند، بین شما تفرقه می اندازند و یا در کار شما راه مانع می کشند. آنها می خواهند بهر ترتیبی شده مانع واگذاری زمین و اجرای قانون شوند.

دهقانان عزیز! اینبار باید روستاها و شهرهای بزرگ می خواهد به کمک عوامل داخلی خود باز هم سلطه زمین داران بزرگ و فئودالها را بر شما برقرار کند و از طریق واژگونی جمهوری اسلامی ایران باز هم کشور ما را اسیر خود سازد.

امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ برای نجات شیطان های کوچک، یعنی مالکان بزرگ و فئودالها می خواهد برگردد. پس باید یکبار دیگر منتظر دست و پنجه نرم کردن با او باشیم.

دهقانان عزیز و مبارزان! اینبار باید روستاها و شهرهای ایران را به قبرستان آمریکا و توکرائش مبدل سازیم. برای این هدف مقدس، که دفاع از سرزمین خود هستی خود است، در هنگام بروز خطی، یعنی همین حالا، به نکات زیرین توجه کنید:

- ۱- در بسیج عمومی برای مقاومت در برابر شیطان بزرگ شرکت کنید.
 - ۲- در هنگام بروز حمله شیطان بزرگ، به نهادهای انقلابی، مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی یاری رسانید و هرگونه اطلاعی از وجود توطئه عوامل شیطان بزرگ دارید، به نهادهای انقلابی خبر دهید.
 - ۳- برای مقابله با دشمن و متشکل کردن توده دهقانان زحمتکش فوراً اتحادیه های خود را تشکیل دهید و نمایندگان خود را به نهادهای انقلابی معرفی کنید؛ تا شما را برای مقاومت مسلمانان در برابر شیطان بزرگ یاری رسانند.
- دهقانان مبارزان! پیروزی با شماست، زیرا حق با شماست!

آمریکا می خواهد اعصاب ما را ...

بقیه از صفحه ۱

هستند. اکنون سفیر کشورهای دوست آمریکا آمده اند و بنا اعتراض میکنند که چرا گذشته ایم جاسوسهای دیپلماتهای آمریکا حکومت انقلاب را براندازند و حکومتی از نوع همان حکومت شاه بجای آن بگذارند.

لحن نامه سفیران کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا»، که آنرا «قضاة نامیده اند، از «دادداشت» گروه قبلی نیز خشن تر و زنده تر است. کسانی که به زبان مکاتبات رسمی بین المللی آشنا هستند، نمیتوانند از کلماتی که در این «قضاة» بکار برده شده است، تعجب نکنند. آنها شغل جاسوسخانه آمریکا را «به تمام معنی یک تجاوز بقوانین بین المللی... و حرکات غیر قابل قبول» می نامند و تهدید میکنند که این حرکات «توافق ناخوشایندی» در روابط این دولت با ایران خواهد داشت و برقراری «دوباره روابط حسنه خود را با جمهوری اسلامی ایران» موکول به آزادی «گروگانها» میکنند و «مجددا مراتب نگرانی خود را در مورد رفتار انسانی با گروگانها» اظهار میدارند.

به کلماتی که در متن زیر (برجسته شده است) توجه کنید: تجاوز به تمام معنی، حرکات غیر قابل قبول، عواقب ناخوشایندی، روابط حسنه دوباره (که معلوم میشود اکنون از این رفته است)، نگرانی از رفتار انسانی... معنای این کلمات در زبان مکاتبات دیپلماتیک، به مراتب خشن تر و زنده تر از معنای عادی آنهاست.

فشار یکجای دنیای سرمایه داری به انقلاب ایران نشانگر آنست که این دنیا هنگامیکه پای منافع سرمایه داری، بعنوان یک نظام اجتماعی - اقتصادی - سیاسی در میان باشد، تاجه اندازه متحد و یکپارچه است. این یکپارچگی تنها در اعمال فشار اقتصادی، سیاسی و نظامی بر انقلابهای ضد امپریالیستی ظاهر نمیکرد. آنان در تلاش برای بازگرداندن نظام سرمایه داری وابسته در هر گوشه ای از جهان نیز به همین اندازه متحد و یکپارچه اند و تمام امکانات خود را در کمک رساندن به ضد انقلاب داخلی بهین ترتیب متمرکز میسازند.

انگلیستان، فرانسه و آلمان غربی، درش بدوش آمریکا و اسرائیل در تجزیه و تعلیم و جمع آوری اطلاعات برای شبکه ضد انقلاب در داخل و خارج ایران فعالیت میکنند. اطمینان ضد انقلاب به پیروزی نیز از همین پشتیبانی نیرومند سرچشمه میگردد. چیه واحد ضد انقلاب داخلی و خارجی تعرض وسیع خود را در تمام زمینه ها آغاز کرده است. اگر نمایندگان سیاسی کشورهای سرمایه داری ایران را ترک میکنند، اگر آنان از «روابط حسنه دوباره» سخن میگویند، معلوم میشود که ما در مرحله نهایی آرامش قبل از طوفان بس میریم و دشمنان انقلاب، با آغاز این جنگ روانی، که یکسر آن «بمب گذاری» و سردیگر آن «نامه نگاری» است، اعصاب ما را امتحان میکنند. ما برای پیروزی در این نبرد سرنوشتماس باید اراده ای آهنین و ایمانی تزلزل ناپذیر داشته باشیم. امپریالیسم آمریکا و متحدانش که اکنون

پنجمین کنگره حزب کمونیست سوریه کوشش دولت آمریکا را برای تحمیل امیال و سیاست ارتجاعی خویش به خلقهای عرب قاطعانه محکوم ساخت

چندی پیش درباره برگزاری پنجمین کنگره حزب کمونیست سوریه و مهم ترین مضوبات آن در صفحات نامه «مردم» گزارش دادیم. کنگره پنجم، پس از بررسی ۵۵ جانبه فعالیت های حزب در سالهای گذشته، وظائف آن را در دوران آینده مشخص ساخت.

رفیق خالد بگدش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، در مصاحبه ای با «پراودا» نکاتی چند در این باره اظهار داشت، که مهم ترین بخش های آنرا در زیر از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم:

رفیق خالد بگدش گفت: «پیش از همه باید تأکید کرد که، کنگره در شرایط سیاسی پس دشوار برگزار شد. ویژگی اوضاع کنونی در خاورمیانه آنست که، امپریالیسم و ارتجاع خانگی فعالیت های خطرناک خویش را شدت میبخشند. در چنین وضعی، رهبری کشور ما سیاست خود را به یافتن راه حلی عادلانه برای مسئله خاورمیانه و تحکیم وحدت عمل کشورهای عربی استوار ساخته است. سوریه در «جبهه ملی پایداری»، که به عاملی مهم در یکپارچگی کشورهای امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه تبدیل شده است، نقش فعالی ایفا میکند. کشور ما توطئه کمپ دویید را قاطعانه محکوم ساخت.»

بگفته خالد بگدش، کنگره پنجم کمونیست های سوریه تصمیم گرفت که در راه تحکیم استقلال ملی سوریه و افزایش توان نیروهای متری کشور بکوشد. این نیروها خواهان آنند که، اسرائیل همه سرزمین های اشغالی عرب را ترک کند و خلق عرب فلسطین از حقوق حقه خود - از جمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل یک دولت مستقل، بهره مند گردد. وی افزود: «از تریون کنگره خود تمام احزاب «جبهه ملی مترقی سوریه» را فراخواندیم که نقش «جبهه» را تقویت بخشند و از آن هر چه بیشتر برای بسیج خلق سوریه در مبارزه علیه امپریالیسم و سرسپردگان آن در خاورمیانه استفاده جویند.»

کمیته های سوریه معتقدند که باید بخش دولتی را در اقتصاد ملی گسترش بخشید، اصلاحات ارضی رایجیرانه جامه عمل پوشاند و از نفوذ کلان زمینداران در روستا کاست.

نمایندگان کنگره پنجم حزب کمونیست سوریه برای مبارزه در راه دگرگون سازی بنیادی و فعالیت سازمانهای توده ای اهمیت فراوان قائل شدند و تأیید اجلاس «رهبری مرکزی» «جبهه ملی مترقی سوریه» و قطعنامه های هفتمین کنگره منطقه ای حزب به عرب سوسیالیستی را مثبت ارزیابی کردند.

از سوی دیگر یادآوری شد که وضع داخلی سوریه در دوران گذشته به وخامت گراییده است. این تحول ثابت میکند که، ارتجاع وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم، از هر غفلتی برای تسدید فعالیت های تبه کارانه خود علیه دستاوردهای مترقی استفاده خواهد جست. کمونیست های سوریه کارزار خود را در عرصه سیاسی ارتجاع را علیه نیروهای میهن پرست کشور شدیداً محکوم میکنند.

رفیق خالد بگدش گفت: «گروه های کمونیست های سوریه موضع یگیر اتحاد شوروی را در برابر مسئله خاورمیانه و دیگر مسائل مهم بین المللی ستود. کنگره با تفیق آراء پشتیبانی خود را از تقویت دوستی میان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و سوریه ابراز داشت.»

کمیته های سوریه برخی سیاستمداران را، که برای تحمیل تئوری «دو برابر قدرت» به خلق های عرب و هم تراز جلوه دادن منافع صلح خواهانه اتحاد شوروی و تجاوز کاری ایالات متحده آمریکا تلاش میورزند، مورد انتقاد قرار دادند. بگفته دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، «کنگره کوشش دولت آمریکا را برای تحمیل امیال و سیاست ارتجاعی خویش به خلق های عرب قاطعانه محکوم ساخت.»

نمایندگان کنگره تحکیم وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی حزب را مورد توجه خاص قرار دادند. و تحقیق یکپارچه اصول لنینی کار حزبی را خواستار شدند.

رفیق خالد بگدش در پایان یادآور گشت: «کمونیست های سوریه به هدف های خویش اکتفا را رها ندارند و به دیده خوشبینانه به وظایف آتی خود می نگرند. آنها با دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی هم آوا هستند که، سالهای هشتاد پیروزیهای جدیدی را در امر ساختمان کمونیسم، تحکیم و گسترش سوسیالیسم جهانی و تأمین صلح پایدار در بر خواهند گرفت.»

بمیرده روی صحنه آمده اند، ناتوانتر از آنند که بتوانند مسیر تاریخ جهان را، که از بردگی و استثمار بسوی آزادی و عدالت پیش میرود، تغییر دهند. اما آنها میتوانند میهن ما را به دشواریها و مصائب سخت بکشانند و ما باید برای تحمل این دشواریها، بخاطر رهائی میهنمان از چنگال دنیای غارتگر امپریالیسم، فداکاری کنیم. مسئله ما با امریکاست مسئله «گروگانها» نیست و حجت الاسلام رفیق چاقی درست گفته اند که: «اگر مشکل جاسوسها حل شود، امریکا عداوتش با انقلاب ما بیشتر میشود.»

عداوت امریکا با انقلاب ما وقتی پایان میپذیرد که امپریالیسم توانسته باشد نظام جمهوری اسلامی ایران را براندازد و یا آنرا از داخل یوسانیده، چون مصر ناسر به مصر سادات تبدیل نماید و یا ضیاع الحقی را بنام اسلام برگرداند ما سوار کند. اگر نمیخواهیم انقلاب خونینمان بچنین سرنوشتی دچار شود، باید برای رویارویی با امپریالیسم آمریکا در تمام جبهه های جنگ اقتصادی، سیاسی، نظامی و روانی آماده باشیم و اعصابمان را نیز چون ایمانمان قوی نگاه داریم.

رفیق پرویز صادقی را آزاد کنید!

رفیق پرویز صادقی، مسئول سازمان حزب توده ایران در کرمانشاه میگذرد و متأسفانه مسئولین جمهوری اسلامی ایران در کرمانشاه هنوز اقدامی در جهت رفع این عمل غیرقانونی نادرست بعمل نیاورده اند. یازداشت یکی از مسئولین حزب توده ایران، در شرایطی که در آستانه یورش متحد امپریالیسم آمریکا و وابستگانش علیه انقلاب ایران قرار داریم و در شرایطی که تمام اعضاء و هواداران حزب توده ایران جان

حمله صهیونیستهای اسرائیل به جنوب لبنان دفع شد

صهیونیستهای اسرائیل بار دیگر از راه زمین، هوا و دریا، جنوب لبنان را مورد حمله قرار دادند. در جریان این حمله جنایتکارانه، که طی آن نیروهای صهیونیستی از آخرین هواپیماهای جنگی ساخت آمریکا که اخیراً به اسرائیل تحویل داده شده است، استفاده کردند. بگفته دولت لبنان، ۲۵ تن کشته و ۳۰ تن مجروح شده اند.

هدف اسرائیل از آن حمله تصرف مجدد نواحی اطراف سواحل رود لبنانی بود.

نیروهای مشترک فلسطینی و جنبش ملی لبنان (احزاب مترقی لبنان) شجاعانه در برابر نیروهای تجاوزکار صهیونیستی مقاومت کردند و تلفات زیادی به این نیروها وارد آوردند. برائی حملات قهرمانانه نیروهای فلسطینی و نیروهای جنبش ملی لبنان، نیروهای تجاوزکار صهیونیستی نتوانستند به هدفهای خود دست یابند و ناچار به عقب نشینی شدند.

بکف درجیه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قراردادند و از هیچگونه فداکاری برای عقیم گذاردن توطئه های جنایتکارانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، دریغ نمی کنند، اقدامی است که عملاً به سود ضد انقلاب و دشمنان جمهوری اسلامی ایران تمام میشود. ما ضمن اعتراض مجدد به ادامه این عمل غیرقانونی و نادرست، خواستار آزادی فوری رفیق پرویز صادقی هستیم.

تدارک برگزاری سمینار مربوط به آغاز قرن پانزدهم هجرت در اتحاد شوروی ادامه دارد

کمیته تدارکاتی در مورد برگزاری سمینار مربوط به آغاز قرن پانزدهم هجرت، در مسکو به کار خود پایان داد. قرار است این سمینار اوائل سپتامبر در تاشکند، پایتخت ازبکستان شوروی، با شرکت سدها مقام روحانی از جمهوری های آسیای اتحاد شوروی و کشورهای اسلامی برگزار شود.

بهمین مناسبت کتابهایی از جمله زیر عنوان «اسلام و مسلمانان در اتحاد شوروی»، «احادیث پیامبر اسلام» انتشار یافته است. همچنین تاکنون قرآن چندبار در اتحاد شوروی تجدید چاپ شده است. از سوی دیگر صفحات قاریان قرآن در جمهوری های آسیای میانه پخش خواهد شد.

گروهی از کارگران مجتمع آپارتمان سازی اکباتان: با تشکیل سندیکا در راه تعمیق انقلاب و تأمین منافع صنفی خود بکوشیم

گروهی از کارگران مجتمع آپارتمان سازی اکباتان، وابسته به شرکت نوسازی و عمران تهران، که پیش از چهار کارگردار، ضمن انتشار نامه ای، از همه کارگران دعوت کرده اند که با تشکیل سازمان صنفی خود در راه تعمیق انقلاب و تأمین منافع صنفی خود بکوشند. در نامه از جمله چنین گفته میشود:

بیش از یکسال و نیم است که از انقلاب بیروزمند ملت ایران می گذرد. اما در این مدت سیاست سازشکارانه دولت موقت و مسئولین و مدیران منتخب این دولت - که متأسفانه هنوز دارای نفوذ بسیاری در دولت و موسسات مختلف هستند از یکسو، و کارشکنی عوامل رژیم نفوذ گذشته از سوی دیگر، دست بدست هم دادند و باعث هدر رفتن نیروی عظیم مردم انقلابی کشورمان شدند، مردم ستمدیده ای که با خون شهبان خود نبال انقلاب را بارور ساختند. ما در این مجتمع کارگری، که به شک یکی از بزرگترین واحدهای کارگری ایران است، آثارشوم این سیاست سازشکارانه را به چشم خود می بینیم. همه ما ماه میلیون ها تومان بابت دستمزد و سایر مخارج دیگر صرف می شود و باینکه مواد و کلیه امکانات دیگر نیز پاندازه لزوم در دسترس است، ولی بملل مختلف، از جمله کارشکنی عوامل یاد شده وعدم برنامه ریزی صحیح، بازدهی کار خیلی کمتر از مخارجی است که میشود. و اگر به این نکته توجه داشته باشیم که قسمت اعظم ارزش آپارتمانها، سرمایه داران سابق خاندان نفوذ پهلوی و سایر وابستگان به آنها، از خریداران دریافت به حساب خود در بانکهای کشورهای امپریالیستی واریز نموده اند، به راحتی خواهیم فهمید که کلیه هزینه های صرف شده پس از انقلاب - که چند صد میلیون تومان برآورد شده است - باری است بردوش ملت ایران، آنهم در شرایطی که ما، بگفته امام خمینی، با «شیطان بزرگ» امپریالیسم آمریکا در جنگیم، جنگی که امپریالیسم آمریکا برای تأمین منافع از دست رفتنش بر ما تحمیل نموده است.

برای اینکه چرخ های امور در این مجتمع به حرکت درآید، ضرورت دارد که خواست های بحق ما کارگران به حساب آورده شود. و اینهم ممکن نیست مگر اینکه ما در انجمن صنفی خود سندیکا - که مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است، متشکل و متحد شویم.

حالا ممکن است این سؤال پیش آید که: بابودن شورا چه نیازی به سندیکاست؟ در جواب باید گفت که: در شورا نمایندگان اقشار مختلف کارکنان سازجمله کارگران - و نیز کارفرما شرکت میکنند و در تدوین و اجرای برنامه ها مشارکت می نمایند و همانطور که دیده میشود، نماینده ما کارگران نیز رای برابر با نمایندگان سایرین دارد، یعنی در واقع ما همیشه در اقلیت خواهیم بود. اما سندیکا سازمان طبقاتی کارگران است، که بدست و با شرکت ما کارگران بوجود خواهد آمد و در جهت تأمین منافع صنفی ما - از جمله تأمین شغلی - خواهد کوشید. ما به هیچ وجه قصد نداریم بین شورا و سندیکا، یکی را بر دیگری ترجیح دهیم، زیرا معتقدیم هر دوی آنها لازم است. با تشکیل سندیکای کارگران شرکت نوسازی و عمران تهران و فرستادن نماینده خود از سندیکا به شورا، شورا را تقویت خواهیم نمود و ضمن وصول مطالبات صنفی خود خواهیم توانست برای بالابردن بازدهی کار، مسئولین امر را به اخذ تدابیر لازم و تنظیم برنامه های دقیق و اصولی وادار نماییم.

در میان نیروهای انقلابی هرگونه تفرقه‌ای ارتجاعی است»

مارکس

درباره وحدت و تضاد

مابا همه نیروهای صدیق انقلابی، اعم از آنکه متعلق بکدام مکتب یا سازمان هستند، خواستار وحدتیم نه نفاق

در کشور ما متأسفانه مرسوم است که با نسبت دادن مطالب بی‌منطق و نادرستی به طرف و سپس رد آن مطالب، قضایا را خیلی ساده حل می‌کنند. تنها به قضی رفته، راضی نمی‌گردند.

این سوء تفاهم از آنجا ناشی شده است که چون در دیالکتیک مارکسیستی تضاد را مادر حرکت میدانند، لذا گویا در مارکسیسم نوعی یکپارچگی تضاد و وحدت با توافق و اتحاد وجود دارد آیا واقعاً چنین است؟

معنای اختلاف و تضاد، یکسان گرفته میشود. مفهوم تضاد دیالکتیکی اینست که در روندهای طبیعی و اجتماعی یک کیفیت واحد معین، طی زمان دچار تغییر میشود، یعنی عناصر یک کیفیت نو در آن پدید می‌گردد.

را پدید می‌آورد و سپس در این کیفیت یکانه نیز دوگانگی پدید میشود. این یک مطلب معقول و مفهومی است و چه ربطی دارد به دشمنی مارکسیست‌ها با وحدت و هماهنگی نیروها و یا عشق جنون‌آمیز آنها به جنگ و دعوا و نزاع؟! مطلب از قدیم‌الایام در فلسفه و عرفان مطرح بوده و شاعر عارف ما جلال‌الدین مولوی هم می‌گفته:

دین‌جان جنگ است چون کل‌بگری زره زره، همچو دین با کفری زده‌ای بالا و آن دیگر نگون جنگ فعلی‌شان بین اندر رکون این یکی زره هم برسد به چه و آن دیگر سوی یمن اندر طلب جنگ فعلی هست از جنگ نهان زان تخلف این تخلف را ببدان، و حل آنکه جلال‌الدین مولوی، که چنین می‌گفت، خود طرفدار صلح کل و دوستی و برادری انسانها بود و می‌گفت:

متحد بودیم و صافی همچو آب یک کبر بودیم همچون آفتاب چون بصورت آمده آن نوز سره شد عدد چون سایه‌های کنگره کنگره و پسران کنید از منجیق

تا بپذیرد فرق از بین فریق چونکه بی‌رنگی اسیر رنگ شد موشی با موشی در جنگ شد، اشتقاق فلسفی مولوی به متخالف عیان و نهان، و به‌جنگ کل ذرات، منافی با اعتقاد اخلاقی او به ضرورت برادری و همبستگی انسانها نبود. اینک مطلب ساده و مقبومی است. حالا چه ربطی دارد مسئله باور به تضاد دیالکتیکی در حرکت و تکامل به مسئله ضرورت اتحاد نیروها در مبارزه اجتماعی، که حزب ما طی عمر قریب چهل ساله خود، کوهی مطلب درباره آن نوشته است و داننا همه را دعوت به اتحاد و هماهنگی در نبرد با ظلم و ظالم کرده است، باید از مدعیان پرسید!

مگر حزب توده ایران از سالها پیش مسئله‌جبهه واحد ضد دیکتاتوری، مسئله جبهه واحد خلق را برای سرنگون ساختن رژیم دست‌نشانده شاه سابق مطرح نکرده بود؟ مگر حزب توده ایران مسئله جبهه متحد خلق را برای مقابله با توطئه‌های ضدانقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی ایران و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران مطرح نکرده است؟ مگر حزب توده ایران شعار

«وحدت کلمه» امام را همیشه تأیید نکرده و خود در این زمینه نگرشیده و مظهر این عمل قرار گرفته است؟ ما به کسانی که حاضرند حرف بزنند و دچار عناد ناروا نیستند، یکبار دیگر می‌گوئیم: ما وحدت کلیه نیروهای صادقانه انقلاب را اتم از آنکه متعلق به کدام مکتب یا سازمان باشند، شرط حیاتی پیشرفت ایران انقلابی می‌شمریم و دشمن نفاقیم. بقول مولوی (که از قول پیغمبر اسلام می‌گوید) «ایضاً- الاشیاء عندی بالاطلاق»، زشت قرین چیزها در نزد ما جدایی است. ما از همه عناصر صدیق انقلابی چشم داریم که باین مطلب عنایت لازم را مبذول دارند و لااقل به حزب ما تئوری ساختگی «اصالت تضاد و دشمنی» را بجای وحدت و هماهنگی نسبت ندهند. سیاست ما سیاسی است سازنده نه ویرانگر. ما آرزومند خاندان متحد و دوست بشریم. ما آرزومند صلح کل و جاوید در روی زمینیم. ما آرزومند آنیم که انسان دوست و آفریننده و پرورنده انسان باشد. ما آرزومند اتحاد همه نیروهای مسلمان انقلابی و مبارز با گردانهای دیگر انقلابی کشوریم!

آنها که میخواهند امپریالیسم امریکا را نترسانند

مهندس بازرگان در نامه سرگشاده‌ای که چندی پیش خطاب به امام خمینی نوشت و در واقع دفاعیه بورژوازی لیبرال، یعنی آن قشر از نیروهای سیاسی-اجتماعی ایران است که، علیرغم تلاش پیگیرشان در کشاندن انقلاب به راه سازش با امپریالیسم و حفظ مناسبات اجتماعی-اقتصادی سرمایه‌داری، زیر ضرب موج کوپنده انقلاب قرار گرفته‌است، سخنی دارد که تمامی پیش بنیات خطرناک (خطرناک برای انقلاب) این قشر را بیان می‌کند و تعمق بر روی آن، عمق دهشتناک خطر را نمایان می‌سازد.

«شاه‌نیت» پیشین بورژوازی لیبرال، که مهندس بازرگان آنرا با دو مصرع تاپچا از یک شعر معروف، بیان داشته چنین است: چو کردی با کلوخ انداز پیکار حذر کن کاندر آماجش نشستی» بسخن دیگر: وقتی با جسارت و حدت بیسابقه پنجه در پنجه آبره قدرتی چون آمریکا اندازیم، چرا نباید لااقل قسمت عمده مسایل و مصائب را ناشی از این جبهات و اقدامات بدانیم...!

(مصرع درست این بیت، «به نادانی سر خود را شکستی!» است) بدینسان مهندس بازرگان و همفکرانش «قسمت عمده مسایل و مصائب» ۱۸ ماهه اخیر انقلاب را ناشی از «جسارت وحدت بیسابقه» در پنجه افکندن با «آمریکه» میدانند، که «پیکاری» است با «کلوخ انداز» لبیبتا از روی نادانی، و «شکستن سر» نیز نتیجه طبیعی نشستن در آماج چنین هم‌اوردی است؛ و اگر بخواهیم به شیوه بیان مهندس بازرگان، سخن وی را کامل کنیم، باید بگوئیم: عواقب «خوردن خریزه» است، و بنابراین «خود کرده را تغییر نده!»

به‌زبان دیگر، مهندس بازرگان و همفکرانش مدعیند که برای پیشرفت و تحقق اهداف انقلاب نمی‌بایست با چنین «جسارت و حدت بیسابقه» در مقابل امپریالیسم آمریکا عمل کرد، نمی‌بایست با کلوخ انداز سرشکنی پنجه در پنجه افکند، که چنین به روز حریف آورد، بلکه می‌بایست مانند دولت موقت عمل کرد، تا چنین «مسهل و معصی» برای انقلاب بوجود نیاید!

دولت موقت مهندس بازرگان چه کرد؟ این دولت کوشید تا با جسارت وحدت بیسابقه در مقابل امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن مثل نکند و آنها را ترسانند، پس یک فتوال را در راس وزارت کشاورزی گمارد تا مانع از «ایجاد اشتباهی گاذب در طبقات محروم» (از متن نامه) گردد. نتیجه چه شد؟ دهقانان زحمتکش، که برای مبارزه با جنایات و اجحاف فتوالها به عرصه مبارزه گام نهاده و به‌سهم خود در ساقط کردن رژیم مدافع فتوالها و مالکان بزرگ، جانفشانی کرده بودند، در مقابل دولتی که خواست بحق آنها را «اشتهای گاذب» می‌خواند و «رنجانده» فتوالها و مالکان بزرگ را «جسارت وحدت بیسابقه» در مقابل امپریالیسم آمریکا می‌نامید، به اعتراض برخاستند. امپریالیسم آمریکا که ظهراً می‌بایست در مقابل روبه «مقول» دولت موقت دیگر نترسد، «توطئه‌های فرضی» (مهندس بازرگان توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را فرضی می‌نامد - از متن نامه) خود را بکار انداخت، در کرمان، گنبد، خوزستان، بلوچستان، آذربایجان، جنگ برادرکشی برانگیخت، فتوالها را مسلح کرد و بجان دهقانان انداخت، تا دهقانان را به انقلاب و رهبری انقلاب بدبین سازد.

دولت موقت برای آنکه آمریکا را ترساند و «انقلاب» را به پیش برده، با تصفیه ارتش مخالفت کرد و برای آنکه سرش نشکند، کوشید تا عوامل «دربقدرت کلوخ انداز» را «توبه» دهند و آنها نیز «توبه» گردند! اما اینبار نیز امپریالیسم آمریکا توطئه‌های «فرضی» خود را بکار انداخت، که براساس آن تاکنون ۷ توطئه واقعی و خطرناک از درون «همین ارتش برای نابود کردن (لابد فرضی!) جمهوری اسلامی ایران سازمان داده شده است. رهبر آخرین این توطئه‌ها، فرمانده نیروی هوایی

دولت موقت، یعنی سپهبد مهدیون بود! دولت موقت، نسبت به اقدام‌های انقلابی سرسپردگان درجه اول رژیم سابق اعتراض کرد و این عمل را «بی‌آبرویی برای ایران در دنیا» خواند و آنرا «انتقام‌جویی» نامید. برائش قضا مهندس بازرگان و هم‌فکران وی، بسیاری از این مزدوران از مجزات رستند و تیغ دادگاه‌های انقلاب به کندی گرائید. آنها ای‌بار نیز موفق شدند تا امپریالیسم آمریکا را ترسانند، اما امپریالیسم آمریکا باز هم از توطئه‌های «فرضی» دست برنداشت. جاسوسان سیا پی دهنی به ایران آمدند و به‌راه «دیپلمات» های سفارت آمریکا و دیگر «خبرنگاران» و «رسولان» امپریالیسم آمریکا، این ره‌نشدگان از بند انقلاب را سازمان دادند، چنانکه به‌ننگام تجوز نظامی «فرضی» آمریکا به ایران افشا شد که ۳۰۰۰ نفر مزدور برای انجام توطئه سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، آماده و مجرب بودند.

دولت موقت، برای آنکه امپریالیسم آمریکا «گمان بد» نبرد، سرمایه‌داران بزرگ را توارش کرد و بر توده کارگر خشم گرفت و آنها را متوحش کرد. اما گوئی امپریالیسم آمریکا این اشارت را نیز درنیفت، چه سرمایه‌داران بزرگ را به اغلال در تولید واداشت و توسط عوامل خود به بخش بذر نفاق و بدبینی در بین کارگران پرداخت. دولت موقت، نژیه را به مدیرعاملی شرکت نفت و مراغه‌ای را به استانداری آذربایجان گمارد، دروآر علوی فرمانده نیروی دریایی و سپهبد مهدیون فرمانده نیروی هوایی شد. کسان دیگری هم دستهای حساسی را اشغال کردند، که بعداً معلوم شد همه اینها در سازماندهی ضدانقلاب شرکت دارند.

اینبار دیگر حتی آمریکا نمی‌بایست «بترسد»، اما آمریکا باز هم دست به توطئه «فرضی» زد. در خوزستان تحریکات گسترش یافت و در آذربایجان یک قیام علیه رژیم خمینی، سازمان داده شد، که هر دو مواسله هیئتی نیروهای انقلابی خفه شدند. مهندس بازرگان، که نسیخواست آمریکا را با «جسارت وحدت» بترساند، قراردادی وابستگی ایران به امپریالیسم آمریکا را لغو نکرد و گفت: «این چاه‌های ویلی که رژیم گذشته کنده است، ما نیز بناچار باید بدون آنها یکتیم و خفه بشویم!»

دولت موقت آنقدر از «ترسیدن» آمریکا می‌ترسید که تا آخرین روز موجودیت خود دربرابر خواست لغو قرارداد دوچانبه نظامی آمریکا با ایران، که به آمریکا اجازه میداد در صورتیکه ایران را در خطر احساس کند، به ایران نیرو اعزام دارد، مقاومت کرد. مهندس بازرگان حتی برای دادن اطمینان به امپریالیسم آمریکا و برای جلوگیری از «ترسیدن» آن، به ملاقت پرس‌ژنیسکی، طراح توطئه‌های «فرضی» آمریکا نیز رفت اما...

دولت موقت مهندس بازرگان، که میخواست امپریالیسم آمریکا را «ترساند»، در واقع وحشت خود را از انقلاب ایران و ناراضی خویش را از پیشرفت آن اعلام میکرد. مهندس بازرگان که قریب به یکماه پس از انقلاب اعلام کرد که «سه سه بار به ۹ باره غلط کردیم، انقلاب گردیم»، در واقع با این حرف، سخن دل بورژوازی لیبرال را بیان میکرد. ولی این پند تاریخ را باید آریزه گوش کرد که هیچ انقلابی اگر انقلاب باشد، و انقلاب مورد نظر دولت موقت و بورژوازی لیبرال نباشد، نمی‌تواند امپریالیسم را ترساند.

هیچ انقلابی، اگر انقلاب باشد، نمیتواند جز با ریشه‌کن کردن تسلط امپریالیسم؛ بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، به پیروزی قطعی نهایی برسد.

ما تجربه تلخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را در پشت سر داریم. ما تجربه ۱۸ ماهه انقلاب پیرومند ایران را هم در اختیار داریم. آیا باز هم باید بی‌تیمت یک شکست سبکین تجربه ۲۸ مرداد را تکرار کنیم؟

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالتان و محکمانست

کمک مالی
میتز از اسفهان ۱۰۰۰ ریال
هوادران حزب توده ایران
در علویچه ۶۰۰۰ ریال

توطئه آمریکا در مراسم حج

و نمایندگانش در کویت و مراکش و اردن و «مصرائیل» و شیوخ آل-خلیبه ایالت پنجاه و یکم آمریکا عربستان سعودی روانه می‌کند. آنها کنفرانس تشکیل میدهند و بدون تردید هر کنفرانسی که اینروزها در هر جای این منطقه برپا میشود بحث ایران را در سرتیغ کار خویش دارد! آنها نقشه کشیده‌اند که امسال در مراسم حج به انواع و اشکال مختلف ایرانیان را به‌دام اندازند و اعتقادات مذهبی مسلمانان را علیه آنان بر-انگیزانند.

نخست اینکه مسئله قدس در رژیم اشغالگر فلسطین را طرح کرده و رهبری این شعار و بسیج را از دست امام بگیرند، چنانکه شاهزادگان عربستان و سلطان حسن مراکشی پیش‌از این همین فکر را کرده‌اند و ندای امریکائی نجات قدس! را سر داده‌اند.

بیشک امسال خواهند کوشید تا آنجا که می‌توانند اسلامی بظاهن مترس، اما کاملاً مودب و منطقی!!، اسلامی مدافع نجات قدس، اما نه تمام فلسطین، اسلامی منتقد نسبت به رژیم اشغالگر قدس، اما نه مهاجم بی‌موجودیت آن و بالاخره «اسلام امریکائی» را تبلیغ کنند... (از سرمقاله اطلاعات - ۳۰ مرداد ۵۹)

...بلافاصله پراز راه‌پیمائی حیرت‌انگیز و پرشور ایرانیان غیر عرب! در تهران، و شهرستانهای ایران علیه «رژیم اشغالگر قدس» با آن فریادهای ضد امریکائی، ضد صهیونیستی و آن «زنده‌باد فلسطینی و فلسطین» ها، همچنین بلافاصله بعد از آن خطبه اشاکر و تهاجمی امام علیه دولت‌های وابسته و خائن و دعوت عام مستضعفین به قیام علیه حکومت‌های بنی‌امریکائی «اسرائیل»! ناکسماز مقتی‌های خیلی اعظم «مصرائیلی»! و مراکشی و امثالهم سراز خرقة خیریت اعظمشان در-آوردند و علیه امام فتراهی انقلابی!! صادر کردند. همان مقتی‌هایی که حرف‌مفت می‌زنند اما مفت حسرف نمی‌زنند. ما پیش‌از این طی سرمقاله‌ای دیگر توضیح دادیم که جریان مقتی‌ها از کجا آب می‌خورد و «فتوا» از کدام «حوزه» صادر شده و نسخه اصلی فتوا در دستوری کدام کاخ امپریالیستی پنهانست.

اکنون همچنان هشدار میدهم که توطئه‌های شیطان بزرگ فقط و فقط به‌صورت فتوا و برانگیختن مقتی‌های مزدور و خائن ختم نمی‌شود. ما باید از این ماجرای اخیر یعنی استفتاء جمعی از مومنین کاخ سفید، از محضر مبارک مقتی‌های اعظم، خط تازه‌ترین نقشه‌های امریکائی را کشف کنیم. به‌وضوح روشن است که آمریکا میخواهد همان حرابه‌ای را که امام خمینی در نبرد با امریکای امپریالیستی-های هم‌ردیف و هم‌بازی او بکار برد، اکنون علیه امام و انقلاب اسلامی ایران بکار گیرد. برانگیختن جو تصبیات و اعتقادات عمیق مذهبی علیه امام...

... ایست که امریکای دام‌دیگری از آن صد دام را بدست صدام حسین میدهد و همراه قاصدان فیاعالباطل میرغضب و مقتی‌های اجیر و جاسوسان پراودا: اتحاد شوروی از توان لازم برای مقابله با هرگونه شانتاژ برخوردار است

روزنامه پراودا، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت: «آنچه استراتژی جدید هسته‌ای خوانده میشود در واقع احیاء دکترین قدیمی شانتاژ هسته‌ای است. پراودا اضافه کرد: همه باید بدانند که تلاش محافل حاکمه آمریکا برای به‌اصطلاح شانتاژ هسته‌ای اتحاد شوروی خیال خامی بیش نیست و اتحاد شوروی از توان لازم برای مقابله با هرگونه شانتاژی برخوردار است.»

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم» فعلا در اشغال عناصر غیر مسئول است)
NAMEH MARDOM
No. 315
24 August 1980
Price: West-Germany 8.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr